

تحقق گام دوم انقلاب اسلامی
در تحریک، جامعه و دولت اسلامی

سیزدهمین مجمع عمومی حزب مؤتلفه اسلامی

ویژه نامه مجمع عمومی حزب مؤتلفه اسلامی با آثاری از:

دکتر بادامچیان، مهندس سید مصطفی میرسلیم، حسین انواری
محسن هاشمی، مرتضی طلایی، جواد منصوری، مجتبی شاکری
حجت الاسلام رسول منتجب‌نیا، محمد عطریانفر، حسین کنعانی مقدم
علی کریمی فیروزجایی، حسین محمدصالحی، حجت الاسلام مصباحی مقدم
محمدحسن آصفی، مالک شریعتی، محمد صالح جوکار، احمد علیرضا بیگی
هادی بیگی نژاد، غلامرضا منتظری، رضا تقی پور، حشمت‌الله فلاحت‌پیشه و...



شما
به‌فراخه حزب مؤتلفه اسلامی

پیام

مجمع عمومی
مؤتلفه اسلامی

سرمقاله

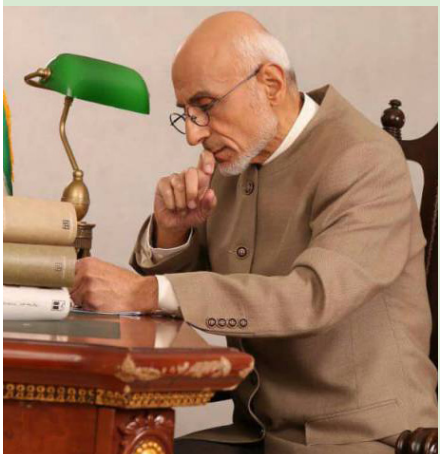
سید مصطفی میرسلیم

مجمع عمومی ما چند

پیام صمیمانه به مردم عزیزمان دارد: شما بدانید که ما قدرشناس خون شهدای والامقام انقلابیم و تا جان داریم در پاسداشت حرمت تلاشها و از جان گذشتگی های آنان از هیچ کوششی دریغ نخواهیم ورزید؛ ما اعتقاد داریم که مردم سالاری دینی نمی تواند به کمال محقق شود مگر به دست خود مردم و بدان منظور باید برای اداره انقلاب و اداره امور کشور نیروهای مردمی و معتقد به ارزشهای انقلاب آموزش داده شوند و در کنار یکدیگر و در میان مردم تجربه درست خدمت کردن به مردم را بیاندوزند؛ ما معتقدیم که راه مقابله با خودکامگی جز با فعالیت مخلصانه برای اعتلای جمهوری اسلامی در ظل ارزشهای اسلامی نیست.

ما بر این باوریم که پیشرفت کشور ما بدون مشارکت آگاهانه و مسئولانه مردم به صورتی تشکیلاتی و منسجم زیر نظر مقام معظم رهبری سرعت لازم را نخواهد یافت و برای پرهیز از هر گونه انحراف سیاسی کوشش عالمانه و مخلصانه و برادرانه و منتقدانه حزبی را ضروری می دانیم و عقب ماندگی های کنونی جمهوری اسلامی و بروز انحرافات را ناشی از غلبه هواهای نفسانی نزد برخی مسئولان متکبر و خودکامه و فرصت طلبانی که گرد آنها جمع شدند و می شوند، می دانیم و راه اصلاح آن خسارات و فرصتهای از دست

رفته، ائتلاف قلوب مؤمنان و اعتصام به حبیل الله برای تحقق آرمانهای اساسی ما است. ما در این راه رویه بزرگان فقید حزب را سرلوحه اقدامات خود قرار خواهیم داد: خدمت به مردم، از خود گذشتگی، جانشین پروری، آگاهی دقیق و بهنگام از شرائط زمانه، آمادگی برای پذیرش مسئولیت بدون شیفتگی برای ریاست طلبی، با احترام به شایسته سالاری و اطاعت از ولی امر مسلمین. امید ما به توفیق از درگاه الهی است. خدایا این مجمع را بر همه ما مبارک بگردان.



تبیین شعار

مجمع عمومی سیزدهم
حزب مؤتلفه اسلامی

حسین انواری

رئیس ستاد برگزاری مجمع عمومی سیزدهم

مجمع عمومی دوره سیزدهم حزب مؤتلفه

اسلامی با شعار تحقق گام دوم انقلاب در حزب، جامعه و دولت اسلامی در هجدهم آذرماه سال جاری در شهر مقدس قم برگزار می شود حزب مؤتلفه اسلامی همراه با نهضت امام خمینی (ره) و به دست مبارک ایشان تأسیس شد و از سال ۱۳۴۱ تا پیروزی انقلاب به مدت شانزده سال به ندای حضرت امام و با فداکاری، ایثار، اخلاص و مؤمنین بصیر و ولایت پذیر رهبر کبیر انقلاب با محور مردم ارزش های اسلامی و رهبری دینی بنا شد و انواع رنجها و سختی ها را پذیرا گردید و از زندان ها شکنجه ها، تهدیدها و تبعیدها و شهادت ها نهراسید، تا به توفیق خداوند متعال و رهبری و هدایت امام خمینی (ره) و درایت و تدبیر یاران خالص امام انقلاب اسلامی به پیروزی رسید و هندسه عمومی کشور بر اساس اسلام و تصویب قانون اساسی به عنوان میثاق امت با انقلاب جمهوری اسلامی تأسیس شد.

پس از ارتحال حضرت امام (ره) اعضاء مؤتلفه اسلامی توفیق یافتند با تبعیت از ولی فقیه زمان حضرت آیت الله العظمی خامنه ای، مقام معظم رهبری و همراه با مقام مرجعیت و روحانیت مبارز انقلابی به عنوان بازوی نظام جمهوری اسلامی و خدمتگزار مردم خدمات و تکالیف خود را استمرار و تداوم بخشد و در فراز و نشیب های فراوان با خدمات مخلصانه خود در صحنه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اثرگذار باشد

امروز حزب مؤتلفه اسلامی در دهه پنجم انقلاب اسلامی با تکیه به گام دوم انقلاب اسلامی هدایت شده توسط مقام معظم رهبری سیزدهمین دوره مجمع عمومی خود را با شعار این دوره آغاز می کند و امید است به حول و قوه الهی بتواند در محدوده تشکیلاتی خود در تحقق اهداف بلند جمهوری ادای تکلیف کند.

حزب مؤتلفه اسلامی بر این اعتقاد است که ارتباط یا به تعبیر قرآن مرابطه با امامت و ایجاد زمینه مشارکت هرچه بیشتر امت در امامت نیازمند تشکیلات و سازمان دهی امت است و تحزب در طول رهبری و نظام اسلامی و مردم سالاری دینی را دو روی یک سکه و لازم و ملزوم یکدیگر است تا بتواند از پراکندگی افکار عمومی پیشگیری کند و با تولید یک جریان فکری زنده و عقلانیت سازنده و پایبندی به اسلام در صحنه سیاسی و اجتماعی کشور حضور فعال و منسجم ایفا کند.

حزب مؤتلفه اسلامی وظیفه خود را در جهت تحقق شعار دور سیزدهم در چهار محور قابل تنظیم می داند؛

اول؛ تقویت تبیین مبانی فکری و انقلابی؛ به عبارت دیگر تقویت معنویت به همراه عقلانیت و تبیین و توسعه ارزش های انقلاب و پیام رهبری دوم؛ وحدت و همگرایی ملت با نظام که تقویت سرمایه اجتماعی و عوامل اثرگذار و جلوگیری از تفرقه و تقویت اقتدار ملی را به همراه خواهد داشت.

سوم؛ توسعه نظارت بر عملکرد کارگزاران نظام و مراقبت در تأمین منافع مردم و گروه های اجتماعی و تبدیل منافع مردم به گفتمان قالب و نظارت بر عدالت ورزی در مسئولین نظام است.

همچنین توسعه فریضه امر به معروف و نهی از منکر همراه با نقد منصفانه و پیشنهاد خردمندانه.

چهارم؛ ایجاد آمادگی توانمندی و قدرت برای خدمت و همچنین تحقق الگوی پیشرفت به همراه عدالت با عزم ملی و مدیریت جهادی است در جهت گسترش جبهه انقلاب او به جای دعوت خود دعوت به خداوند می نماید و نقش خود را در کادر سازی و تربیت فکری و روحی و اخلاقی نیروها ایفا می کند. از خداوند خواستاریم تا توفیق دهد که وظایف گروهی خود را در حزب مؤتلفه اسلامی با هدایت رهبر معظم انقلاب اسلامی به نحو احسن به منصفه ظهور برسانیم؛ والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته



حزب مؤتلفه اسلامی

هجدهم آذر ماه ۱۴۰۰
شهر مقدس قم

بادامچیان با اشاره به برگزاری سیزدهمین مجمع عمومی حزب مؤتلفه اسلامی اعلام کرد:

مؤتلفه اسلامی در تدارک عمارتی نو در عرصه سیاست و تحزب

دبیرکل حزب مؤتلفه اسلامی در ادامه تاکید کرد: حرکت انقلابی و سامان یابی کشور و ملت با حزب اسلامی پاک و توانمند میسر است و امام خمینی (ره) در اردیبهشت ۴۲ نظر به تاسیس مؤتلفه اسلامی دادند. این تشکل اسلامی در طول ۵۸ سال گذشته، در خدمت اسلام، امام (ره) و ولی امر مسلمین و ایران کارنامه ای پرافتخار همراه با پاکی و سلامت مالی و اخلاقی داشته و این مسیر نورانی را در گام دوم انقلاب اسلامی با اقتدار و انسجام بیشتر ادامه خواهد داد.

بادامچیان تصریح کرد: ما معتقدیم که حل مشکلات کشور و راه پیشرفت و تعالی بهتر با دولت و مجلس حزبی پاک و خدامحور که در خدمت ملت و در خط اصیل ولایت و امامت است و تجربه آموخته و از امتحانها موفق بیرون آمده میسر است و بر این اساس در شکل دهی و تکامل حزب مؤتلفه اسلامی در دوره آینده همه نوع تلاش و کوشش را خواهیم داشت.

دبیرکل حزب مؤتلفه اسلامی با اشاره به برگزاری سیزدهمین مجمع عمومی این حزب گفت: مؤتلفه اسلامی با شعار «تحقق گام دوم انقلاب اسلامی در تحزب، جامعه و دولت اسلامی» در تدارک عمارتی نو در عرصه سیاست و تحزب کشور است.

به گزارش روابط عمومی حزب مؤتلفه اسلامی، دکتر اسدالله بادامچیان در بیان مواضع هفتگی این حزب تصریح کرد: در این مجمع عمومی که پنجشنبه ۱۸ آذر ۱۴۰۰ در قم برگزار خواهد شد، عملکرد سه ساله اخیر حزب و نیز ارزیابی از وضعیت جاری کشور، منطقه و جهان ارائه خواهد شد.

وی افزود: بررسی خط مشی سه سال آینده حزب و انتخاب ۳۵ عضو اصلی و ۵ عضو علی البدل دوره آینده شورای مرکزی با رأی نمایندگان حزب از سراسر کشور از دیگر برنامه های سیزدهمین مجمع عمومی است.



اهمیت ویژه و سرنوشت سازی برای مؤتلفه ی اسلامی برخوردار است. در این دوره باید از مؤتلفه اسلامی حزبی قوی و مقتدر و کارآمد و جامع و بازویی پرتوان برای نظام جمهوری اسلامی و ولی امر مسلمین و ملت و کشور ایران بسازیم. ان شاء الله ما می توانیم.

در این دوره حزب مؤتلفه اسلامی با شعار "تحقق گام دوم در تحزب و جامعه و دولت اسلامی" فعالیت می کند. بیانیه گام دوم منشور انقلاب اسلامی و نظام می باشد. تحقق امور

مندرج در این منشور با تحزب خدا محور اسلامی، آسانتر و بهتر می شود و مؤتلفه همه تجربیات بیش از نیم قرن خود را در این تحقق بکار خواهد گرفت. تحزب اسلامی لازمه و ضرورت نظام مردم سالاری ولایی است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام حزب دارد و پیامبر اسلام فرموده اند حزب علی، حزب الله، حزب علی علیه السلام حزب الله است و شیعه ی علی به تبعیت از امام اول خود، نیاز به تحزب حزب اللهی دارد و راه غلبه و پیروزی و موفقیت و راه رستگاری و فلاح به فرموده ی قرآن مجید در حزب الله است.

مؤتلفه ی اسلامی این ضرورت نظام را در قبل از تاسیس نظام و پیروزی انقلاب به صورت حزبی همه جانبه از سیاست تا جهاد مسلحانه و پاک و با تقوا و کارآمد و... مدیریت کرد و در زندان و شکنجگاه و میدان و صحنه اجتماع همه جا خوش درخشید.

با تاسیس نظام جمهوری اسلامی در جهت وحدت امت با امامت در حزب جمهوری اسلامی، با نظر امام خمینی ادغام شد و پس از تعطیل حزب با اجازه صریح و شفاف امام مؤتلفه اسلامی را فعال کرد و پس از رحلت امام، با اجازه صریح امام خامنه ای راه را ادامه داد که اکنون در سیزدهمین دوره فعالیت جدید خود قرار دارد.

خدا را حمد و شکر می گوئیم که در این دوره حساس حزب مؤتلفه اسلامی با سلامت مالی و سیاسی و اخلاقی، در همه ی زمینه ها استوار ایستاد و هزینه ها را بجان پذیرفت و انعام شهادت به طیفی از یاران از عراقی و مطهری در سال ۵۸ و بهشتی و رجائی و باهنر در سال ۶۰ و سایر یاران در سال های بعد تا شهید خرسند شهید لیلَةُ الْقَدَر، نشانه ی این حضور فعال و مستمر وضد استکبار و نفاق ستیز است.

● تحزبی متناسب با گام دوم

مؤتلفه ی اسلامی در گام دوم انقلاب اسلامی می داند باید تحزبی در تناسب با بیانیه ی گام دوم و توسعه ی نظام اسلامی و صدور انقلاب اسلامی داشته باشد. انشاء الله در ساخت تحزب و جامعه ی نمونه و دولت اسلامی گام های بلندی را بر خواهد داشت. به شرط آنکه همه ی یاران حزبی، در این مسیر جهاد و خدمت و شهادت با همت بلند و همه جانبه فعال باشند. شورای مرکزی جدید را در راستای همین گام دوم انتخاب کنند و همه با هم رنانه گو استقامت در هدف و مکتب و راه و خواسته ها داشته باشند.

وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ

وظیفه مؤتلفه در گام دوم

دکتر بادامچیان دبیرکل حزب مؤتلفه اسلامی

رَبِّ ادْخُلْنِيْ مَدْخَلَ صِدْقٍ وَاُخْرِجْنِيْ مَخْرَجَ صِدْقٍ وَاَجْعَلْ لِيْ مِنْ لَّدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا

خداوند قادر را شکر و حمد می کنیم که توفیق به یاران عطا فرمود دوره دوازدهم در حزب مؤتلفه ی اسلامی فعالیت و انجام وظیفه داشته باشند. دوره دوازدهم بسیار سخت و پرکار بود. دولت در اختیار اصلاح طلبان اعتدالی با نارضایتی شدید مردم، حزب بر اساس مصلحت اجبار به مدارا داشت. تا از مطالبه گری حزبی دشمنان مستکبر که در پی اغتشاش و آبان قرمز بودند، سوء استفاده نکنند

تراکم رقابت ها در انتخاب های ۵ گانه در این دوره، از شورایاری ها، شوراهای اسلامی شهر و روستا، انتخابات مجلس یازدهم، انتخابات دولت سیزدهم و انتخابات میان دوره ای، وحدت جبهه ی اصولگرا را تهدید می کرد. کثرت داوطلبان در طیف اصولگرا، احتمال موفقیت خطوط دیگر را بالا می برد. افزایش بی سابقه ی گرانی ها و تورم، هزینه ی یک حزب دارای گسترده سراسری در کشور را بشدت بالا برد که طبعاً تأمین مشروع و حلال آن که بستگی به هدایای مردمی حلال دارد. بسیار سخت شد. افزایش هزینه های زندگی برای مردم و کم شدن درآمد آنها میزان کمک های مردمی به حزب را کاهش می داد. رقابت های غلط علیه تشکل های خودی به ویژه مؤتلفه ی اسلامی زمینه را برای اختلافات و درگیری ها و منازعات جناحی تشدید کرده بود. جنگ نرم و روانی و گسترش شبکه های مجازی انحرافی و استکباری یکی دیگر از مشکلات این دوره بود که باقی است.

فشار خطوط انحرافی و نفوذ و عوامل داخلی در خدمت استکبار علیه تشکلهای ارزشگرا به ویژه مؤتلفه ی اسلامی در این دوره بسیار سنگین و پرفشار گردید و سایر مواردی که نیازی چندان به ذکر همه آنها نیست. علیرغم همه ی این مشکلات و عقبه ها، مؤتلفه ی اسلامی توانست در دوره دوازدهم، فعال و پر نشاط، تکالیف الهی و انقلابی را در خط ولایت پیگیری کند و با موفقیت خوبی این دوره را به پایان برساند.

اکنون حزب با انسجام بیشتر بهتر تشکیلاتی، افزایش فعالیت های ساختاری، ارائه ی آموزش های نوین، مدیریت روابط بین المللی و گسترش آن با احزاب کشورهای دیگر به ویژه اسلامی، تقویت ارتباطات با احزاب مقاومت اسلامی، در سپهر سیاست ایران حضور دارد.

حضور موفق در انتخابات های ۵ گانه و حفظ وحدت و تعامل با نیروهای اصولگرا در محوریت روحانیت محترم، فعالیت گسترده ی حزبی در انتخابات ها و بسیج نیروهای حزبی در سراسر کشور برای حمایت از آیت الله رئیسی و کوشش برای شکل گیری اکثریت نمایندگان مجلس از عناصر اصولگرا و انتخاب عناصر متدین برای شوراها از اقدامات ارزشمند این دوره توسط حزب مؤتلفه اسلامی بود.

● رویکرد در دوره سیزدهم

با یاد و نام خداوند متعال دوره جدیدی را با همت همه ی یاران و دوستان، در گام دوم انقلاب اسلامی، شروع کرده ایم. دوره ی سیزدهم دوره ای است که از

تحزب به روایت شهید آیت الله دکتر بهشتی



کژی‌ها، نادرستی‌ها، ناپاکی‌ها، با اینکه چنین روحیه و چنین جوش و خروشی داشتیم و فراوان بودند کسانی که این روحیه جوش و خروش را داشتند و انسانهای تک تک متعهد و مسئول فراوان وجود داشت اثر کارمان در مقابله با ناپاکی‌ها و ناروایی‌های محیط کم بود، چون نمی‌توانستیم همه با هم کار کنیم.

● **تشکیلات حساس در برابر ناروایی‌ها، انحراف‌ها، کژی‌ها، نادرستی و ناپاکی**

پیروزی‌ها برستم‌ها و ناروایی‌ها و ناپاکی‌های محیط احتیاج به یک نیروی بزرگ داشت و ما تک تک‌های پراکنده بودیم. احیاناً اگر هم با هم می‌شدیم گاهی دو نفر، سه نفر، پنج نفر باز هم کافی نبود. یاد می‌آید آن وقت‌ها شاید ۱۵ ساله بودم و آغاز طلبگی ام بود از دبیرستان به حوزه آمده بودم. با یکی دو نفر از طلاب دیگر که با هم درس می‌خواندیم گاهی در خیابان‌ها راه می‌افتادیم که چیزهایی را که به نظرمان منکر می‌رسید جلوی‌شان را بگیریم و نهی از منکر کنیم بنابراین می‌فهمیدیم که نیش چند نفر به آنها موثر است ولی باز از چند نفر هم کاری ساخته نبود. یک جاهایی می‌دیدیم که دیگر تیغمان نمی‌برد و نهی از منکرمان پرزور نیست و لذا کارساز هم نیست. گاهی سوار اتوبوس شدیم مثلاً می‌دیدیم که راننده یا کمک راننده اتوبوس شهری به این و آن زور می‌گوید آن وقت یکی از ما می‌گفت: آقا، چرا همچنین می‌کنی؟ و قرار بود دوست دیگر ما از گوشه دیگر اتوبوس بگوید: آقا چرا چنین می‌کنی؟ خوب گاهی هم موثر واقع می‌شد گاهی هم زور ما دو سه نفری نمی‌رسید و موثر واقع نمی‌شد یا مثلاً می‌رفتیم از کنار یک مغازه ای می‌دیدیم که این ترانه‌های زشت و بد فسادآور ضد عفت و پاکدامنی گذاشته یک کدام از ما جلو می‌رفتیم و نصیحتش می‌کردیم می‌گفت: برو دنبال کارت بگذار به کسب و کارمان برسیم و بعد یکی دیگر از دوستان ما می‌رفت و پشتوانه ما بود و گاهی موثر واقع می‌شد و گاهی هم موثر واقع نمی‌شد. می‌فهمیدیم وقتی جماعت شویم قوی‌تریم و بدالله‌ها مع الجماعه اما دور هم جمع شدن همامان می‌شد دو نفر، سه نفر، چهار نفر و خیلی پرتوان نبود و به جنگ فسادها و ظلم‌های گردن کلفت نمی‌شد برویم.

● **ثمرات کارهای جمعی با برنامه**

یک بار در سن ۱۶ سالگی به یک روستایی رفتم. آنجا در دهه محرم و دهه صفر منبر می‌رفتم. دو بار در آن روستا رفتم. در یکی از سفرها از ظلم کدخدا صحبت شد که هم کدخدا بود و هم ارباب. به جوانهای روستا گفتم: که چرا باید این بر شما حکومت کند و زور بگوید؟ گفتند: سرنیزه ژاندارم از او حمایت می‌کند. گفتم این که خدا را باید برداریم. حالا اگر او را برداریم کدخدای خوب دارید؟ گفتند: آقا سید جعفر آدم خوبی هست و ما همه او را قبول داریم. ما دست به کار شدیم تا کدخدا و ارباب را از ده بتارنیم ولی مگر دست تنها می‌شد؟ جوانهای روستا را بر ضد او بسیج کردیم ولی کافی نبود پشت او در شهر به فرمانداری محکم بود. در شهر تلاش کردیم یک وسیله ای پیدا کنیم که فرماندار از کدخدا حمایت نکند. آن وقت کدخدا را جاکن کردیم و سید جعفر را کدخدا نمودیم. خوب این کار را تنهایی

چند نکته ای را با برادران و خواهران در میان بگذارم:
۱- ضرورت تشکیلات و اینکه ما باید یک تشکیلات اسلامی اصیل داشته باشیم.

۲- ضرورت اینکه این تشکیلات در طول رهبری باشد نه در عرض آن این تشکیلات باید تحقق بخشنده نظام امت و امامت باشد چون نظام اسلامی ما نظام امت و امامت است نه اینکه معارض امامت باشد.

۳- رابطه این تشکیلات با حوزه‌های علمیه و روحانیت، اعم از برادران و خواهران روحانی.

۴- وظایف و تعهداتی که بر عهده این تشکیلات و روحانیت به صورت وظایف و تعهدات متقابل باید رعایت شود.

ما برای اینکه بتوانیم کارهای بزرگی را انجام دهیم بی شک باید متشکل باشیم. رابطه‌های ایمانی و اعتقادی و عملی دیمی سازمان نیافته برای رسیدن بخشی از اهداف و تحقق بخشیدن به قسمتی از مراحل یک انقلاب می‌تواند کافی باشد ولی برای رسیدن به به بخشی دیگر از اهداف و تحقق بخشیدن به آن قسمت دیگر از آرمان‌های یک انقلاب، کافی نیست. ما در پرتو اعتقاد به اسلام و اعتقاد به وظایف اسلامی درصدد جهاد برآمدیم.

● **اسلام مسلمان مراقب می‌خواهد**

ما می‌دانستیم که اسلام از زن و مرد، مسلمانی را می‌خواهد که نه فقط مراقب مسلمان بودن و مسلمان ماندن خویشند بلکه مراقب مسلمان بودن و مسلمان ماندن و مسلمان تر شدن محیط اجتماعی هم هستند.

● **اسلام و مبارزه با دروغ و ناپاکدامنی‌های محیط**

اسلام به این اکتفا نمی‌کند که شما راستگو باشید، اسلام می‌گوید هم باید راستگو باشید و هم باید با دروغ‌گویی و کژی دیگران مبارزه کنید. اسلام به این اکتفا نمی‌کند شما عقیف و پاکدامن باشید هم شما باید با ناپاکدامنی‌های محیط مبارزه کنید و کسان دیگری را که به ناپاکدامنی آلوده اند اینها را هم پاکیزه کنید. این روش اسلام است، این اصل است و این فریضه را بزرگترین و پرارزش‌ترین فریضه شمرده‌اند. در آیات و روایات متعدد، وظیفه و فریضه امر به معروف و منکر بزرگترین و بالاترین وظیفه شناخته شده

نهی از همه واجبات و فرائض دیگر در پرتو آن گزارده می‌شوند. ما همه به این معتقد بودیم، مشتاق بودیم برای ایجاد یک محیط پاک و اسلامی تلاش کنیم.

به برکت اعتقاد به اسلام و برکت این تعلیم بزرگ اسلام که "ای

انسان تو نه تنها مسئول خویشنتی که مسئول دیگران نیز هستی" از

زمان کودکی شاید سن دوازده سیزده سالگی یاد می‌آید که همیشه

در برخورد با ناپاکی‌ها و ناروایی‌ها که مخالف

اسلام بود یک حساسیت و جوش و خروشی

داشتیم که نمی‌توانستیم آرام بگیریم نمی‌توانست تحمل کنیم.

هر جا از دیگران ناپاکی می‌دیدیم انگار خودمان آن گناه را مرتکب

شده ایم برافروخته می‌شدیم.

اسلام مسلمان حساس می‌سازد حساس در برابر

ناروایی‌ها، انحراف‌ها،





گفته بودند که این طور نمی شود اگر می خواهی با من دیدار دوم داشته باشی باید بر ضد این رژیم سلطنتی اعلامیه بدهی، اگر اعلامیه دادید می توانید با من ملاقات دوم داشته باشید و الا نه و چون آقای بازرگان آنجا اعلامیه ندادند و به ایران برگشتند و در ایران قریب به این مضامین اعلامیه دادند و دیدار دوم هم با امام نداشتند و خود من در آنجا با آقای بازرگان و آقای دکتر یزدی چقدر صحبت کردم تا ایشان را قانع کنم که این راه، (راه امام) راه صحیح تری است و شما به این راه بپیایید. با علم و آگاهی ما از نظر ایشان بعد از پیروزی انقلاب از روی اضطرار ناچار شدیم آقای بازرگان را به عنوان نخست وزیر معرفی کنیم. شورای انقلاب ناچار شد که ایشان را معرفی کند ایشان نخست وزیر شد و دولتشان دولت انقلاب که نشد، خودشان گفتند من دولت انقلاب نیستم خودشان می گفتند: این دولت، دولت انتقال است. انتقال از مرحله پیش به مرحله انقلاب. حالا چطور می شود که انقلاب پیروز شود و اولین دولتش دولت انقلاب نباشد و دولت انتقال باشد؟ خودشان می گفتند: من بلدوزر نیستم من یک ماشین سواری ضعیف نازک نارنجی هستم که می توانم در جاده هموار و آسفالت حرکت کنم و بعد هم معلوم شد که دولت انتقال هم نیست. بنده به ایشان می گفتم: دولت شما نه دولت انقلاب است و نه دولت انتقال بلکه دولت اضطرار است. چون ما تشکیلات قوی نداشتیم و شناسایی نیرو نکرده بودیم به اضطرار به دولت ایشان رای دادیم.

● تشکیلات، تشکیل دهنده دولت و مدیریت های کشور

پس ما باید در این زمان افراد را شناسایی کنیم. این عده ای را که شناسایی کردیم باید در کیفیت اداره کشور بر پایه انقلاب هم همفکر را بشناسند و بیابند و اگر به اندازه کافی موجود بود استعدادهای لایق را بشناسند و بسازند. این تشکیلات است، تشکیلاتی که انقلاب را درک کرده باشد و هویت اسلامی آن را صمیمانه پذیرفته باشد و عناصر و انسان های کافی جمع بیاورد که بتوانند دولت تشکیل دهند و کارهای مدیریت کشور را عهده دار شوند، مدیریت کشور از نخست وزیری تا اداره یک مدرسه یا یک کارخانه) و برنامه بریزند و همکاران لازم را برای همه مراحل بیابند و بسازند.



نمی شد بکنیم باید با جماعت می کردیم آن هم با یک پشتوانه ای در شهر که فرمانداری از او حمایت نکنند. پس حرکت داشتیم اما در همین حدود. همه هم می دانستند که ام الفساد کیست؟ ام الفساد شاه بود تازه شاه هم نبود، آمریکا بود. آن موقع ها بیشتر انگلیس پشت شاه بود ام الفساد انگلستان بود.

● رهبری و تبعیت از او

بنابر این برای مبارزه این نیروها کافی نبود تا اینجا انسان بود، فرد بود؛ ایمان بود، فداکاری بود، تعهد بود، تحریک بود اما چه نبود؟ یک چیز در اینجا کم داشت. امامت کم بود. در اینجا یک رهبری لازم بود تا بیاورد و نیروهای عظیم را بسیج کند و به هر سوی که صحیح می داند هدایت کند و در هر زمانی دستور متناسب با آن زمان را بدهد. یک رهبری که رهبری او با ایمان و اعتقاد مردم پیوسته باشد. وقتی حرف می زند، ایمان مردم انگیزه اجرای دستور او باشد. در این راهپیمایی های اخیر مکرر زن ها و مردهای سالخورده که واقعا پیاده روی برایشان زحمت بود، بیرون آمده بودند وقتی از یکی از آنها پرسیده بودند که شما با این سن و سال چرا بیرون آمدی؟ گفته بود: "امام، مرجع من، دستور داده و وظیفه دینی من است تا آنجایی که می توانم بیرون بیایم و راهپیمایی کنم." این نمونه مکرر بوده این سیل خروشان جمعیت به مقدار زیادی برپایه اعتقاد به اجرای دستورات رهبر و اینکه اگر اطاعت نکند معصیت و نافرمانی خداست، حرکت کرده بود. برای اینکه حرکت مردم در یک سطح وسیع به ثمر برسد، امامت و رهبری لازم است در اینجا مردم متشکل می شوند و این یک مرحله از تشکل است که در محور رهبری و امامت متشکل و یکپارچه می شوند و این مرحله از تشکل یعنی اتحاد همسویی نیروها و جنب و جوش ها و تلاش ها در پرتو رهبری واحد و امامت واحد متبع مورد اعتقاد، از ضروریات پیروزی است و بدون او انسان نمی تواند پیروز شود.

● تشکل پس از پیروزی و تاسیس نظام

این یک مرحله تشکل است همین مرحله تشکل که جامعه ما را به پیروزی رساند. پس از پیروزی فراوان بود که یک حکومتی سر کار بیاید یک دولتی سر کار بیاید. مسئولانی، رئیس جمهور، نخست وزیر، وزیری، رئیس اداره، مدیر دبستانی و... سر کار بیایند و یک شبکه بزرگ مدیریت در خط اسلام و انقلاب کار بکنند. این احتیاج داشت به شناسایی افراد، به داشتن برنامه و همسو شدن این افراد بر پایه یک برنامه در راستای رهبری. آیا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ما چنین چیزی داشتیم یا نداشتیم؟ نداشتیم. چون نداشتیم چوبش را هم خوردیم.

● دولت اضطراری بازرگان

از روی ناچاری با علم و آگاهی به اینکه آقای مهندس بازرگان عضو نهضت آزادی هستند و با علم و آگاهی به اینکه نهضت آزادی راهش راه اسلام سیاسی و اجتماعی اش با راه انقلاب و راه ما یکی نبود و سه ماه قبل از انقلاب همین آقای مهندس بازرگان در پاریس آمده بود که امام را قانع کنند که اگر شورای سلطنت باشد و آزادی انتخابات هم باشد، مبارزه همین جا ختم شود و ایشان (امام) به ایران تشریف بیاورند و امام بعد از یک دیدار

دولت و مجلس حزبی؛ آری یا نه؟

مسلم مومن

روزنامه نگار

در سال‌های اخیر
تحت عناوین حکمرانی
خوب، حکمرانی حزبی،

حکومت حزبی، دولت حزبی، مجلس حزبی
و موارد دیگر بحث‌های قابل توجهی در ایران
مطرح شده است. موافقان و مخالفان هم نظرات
متفاوتی را ارائه کرده‌اند.

موافقان حزب و تحزب استدلال دارند که
بدیهی است عقل جمعی و با انضباط و هماهنگ،
بهتر می‌تواند در همه امور از جمله حکمرانی و
حکومت به تدبیر امور و حل مشکلات و پیشبرد
اهداف عمل نماید. پیشنهاد آنها در جهت حفظ
نظام مردمسالار اسلامی این است که در ایران
دو سه حزب نیرومند شکل بگیرند، با هم برای
اداره امور کشور و مردم رقابت کنند. برنامه‌های
مدون در چارچوب مبنای و اهداف و نیازهای
دراز و کوتاه مدت با استفاده از کارگروه‌های
حزبی در امور مختلف و نظرخواهی از اعضا و
طرفداران خود که از مردم هستند تهیه نموده و
به اطلاع مردم برسانند و ملت هر کدام را بهتر
پسندید و به آن حزب رای داد آن حزب کشور
و مردم را به طور حزبی و مدیران حزبی اداره
کند و اگر نتوانست یا حزب دیگری برنامه‌های
مردم‌پسند بهتری را تهیه و به مردم عرضه
داشت به آن حزب رای بدهند. این روش و
مبنا موجب می‌شود که مردم مشکلات را از
نظام نبینند بلکه معضلات را به عهده حزب
حاکم بگذارند و حزب دیگر را جایگزین نمایند
و این برای استحکام نظام بسیار مفید است. آنها
استدلال دارند که به حکم خرد کار با برنامه و
پژوهش شده و مدیریت‌های امتحان شده در
یک حزب بهتر از شخصیت‌های منفردی که یک
رئیس‌جمهور بی‌بهره از تحزب، از آنها دعوت به
پذیرش مسئولیت‌ها می‌کند می‌تواند کشور
را اداره نمایند زیرا این شخصیت‌ها ولو توانمند
و صاحب‌نظر و با برنامه باشند چون شخصی
و انفرادی هستند و هر کدام در ذهنیت خود
عمل می‌کنند انسجام و هماهنگی در مدیریت
پدید نمی‌آید و حکومت دچار چندگانگی شده
و مشکلات افزایش یافته و چاره اندیشی‌ها نیز
چون پراکنده و چندراسته است، نتیجه‌بخش نمی
باشد.

مخالفان نیز استدلال دارند که اگر نظام
جمهوری اسلامی نظام مردم‌سالار است و تمام
مردمی است و نظام امامت و امت بر آن حاکم
است حزب در برگیرنده تمام مردم نیست و
حتی اگر دو سه حزب گسترده نیز شکل بگیرند
مجموعه آنها همه مردم نیستند و حزبی که بر
سر کار می‌آید طبیعی است که از عناصر حزبی
استفاده می‌کند و استعدادها و عناصر غیر حزبی
متخصص و کارآمد، کنار می‌مانند و حزب که
بخشی از مردم است به تدریج راه سلطه حزبی بر
جامعه را هموار می‌سازد و کشور و مردم دچار
سرنوشت کشور های تک حزبی مثل شوروی
سابق و چین مائو و کوبای فیدل کاسترو و امثال
آن‌ها می‌شود یا مانند آمریکا و انگلیس دچار
استبداد دو حزبی می‌گردد. اینان حکمرانی

حزبی و حکومت حزبی را مغایر با حکومت
مردم بر مردم و مردم سالاری می‌دانند. نظرات
بینابینی هم هست که اگر حزب فقط در خودش
محدود نشود و با احزاب دیگر تعامل کند و افراد
منفرد و با استعداد را به مسئولیت بگمارد فواید
حکومت حزبی به دست می‌آید بدون کنار زدن
سایر احزاب یا نیروهایی از مردم که غیر حزبی
ولی توانمند می‌باشند یا اگر شخصیت‌های منفرد
با احزابی همفکری و همکاری داشته باشند جمع
بین چهره‌های انفرادی با چهره‌های حزبی در
مجموع حکومت، کفایت می‌کند. با این همه
موضوع اساسی مسئله نظام‌ها و احزاب هستند
که باید دید حکومت و حکمرانی حزبی در رابطه
با نظام‌ها چرا رابطه‌ای دارند؟

● دولت تک حزبی و دو حزبی

دولت حزبی در نظام کمونیسم عامل
دیکتاتوری است در نظام تک حزبی مسئله

کشور گفته می‌شود مثل دولت ایران که مقصود
حاکمیت ایران است یا دولت ایران به عنوان
حکومت متشکل از سه قوه ایران است و گاهی
دولت به عنوان قوه مجریه و هیئت دولت مطرح
می‌شود به این نکته باید در تعاریف و به کارگیری
واژه‌ها توجه داشت. مبنای حاکمیت یا حکومت
در ادیان و مذاهب و نظام‌های خداپرست از تفکر
دینی آنها مستفاد می‌شود.

در نظام‌های غیر خدایی و مادی‌گرا
حاکمیت و حکومت از مردم یا حاکمان شکل
می‌گیرد یعنی مردم منشأ قوانین و مقررات و
چارچوب حاکمیت و حکومت هستند و به گفته
اندیشمندان فرانسوی، پس از انقلاب فرانسه که
گفتند: ما خدا را به ملکوت فرستادیم و انسان را
به جای خدا نشاندیم و حالا این مردم هستند
که پایه‌های حکومت و حاکمیت را پی‌ریزی
می‌کنند که باید گفت در واقع این مردم نیستند
بلکه اندیشمندانی از جامعه مثل ژان ژاک روسو



در فرانسه هستند که نظراتشان را بر مردم دیکته
می‌کنند. در این جوامع حرام‌های خدایی را با
رای اکثریت مردم قانونی می‌نمایند همانطور که
در برخی کشورهای اروپایی همجنس‌گرایی را
که طبق دین مردمان آن ديار حرام موکد است
با رای اکثریت حلال و جایز کرده‌اند. در جوامع
و کشورهایی که دیکتاتورها بر آن حاکمیت و
حکومت دارند همه چیز به صاحبان قدرت و
مستبد اصلی برمی‌گردد و مبنای این است که چه
فرمان یزدان چه فرمان شاه یا ناپلئون در فرانسه
می‌گفت "مردم یعنی من" زیرا اکثریت به من
رای داده‌اند و آنچه من می‌گویم همان رای
مردم به شمار می‌آید و فرعون می‌گفت انا ربکم
الاعلی من برترین خدای ملت هستم.

در نظام اسلام حاکمیت، حکومت و حکم از
آن خداست که همه خوبی‌ها و ارزش مطلق
از خداست. اسلام دین عقل، علم، فهم، تجربه
صحيح و خواسته‌های منطبق با فطرت انسان
و جهان هستی است که سعادت آور دنیا و
آخرت بشر در آن جمع است. در نظام‌های غیر
خدایی قدرت اکثریت مردم یا قدرت دانشمندان
برجسته آنان یا قدرت متمرکز سلطه و حکومت
مبنای اصول و مبنای و موازین و موارد قانونی
و اداره امور می‌باشند. در این نظام‌ها حاکمیت

حکمرانی حزبی و آن هم تک حزب مطلوب آن
نظام قطعی است مانند نظام کمونیستی که به
تک حزبی حزب کمونیسم نظر دارد و حاکمیت
و حکومت و دولت و همه نهادها و دستگاه‌های
کشوری و لشکری در این نظام از حزب کمونیست
و با آن حزب هستند. کشورهایی مانند آمریکا و
انگلیس دچار استبداد دو حزبی هستند.

● حاکمیت حزبی، حکومت حزبی و

دولت حزبی

حاکمیت: کل حکمرانی و حکم دهی و
حکومت و دولت و جامعه را در بر دارد.
حکومت: مجموعه‌ای که بر کشور و یا جامعه
حکمرانی دارند و کلیت حاکم بر کشور یا ملت
که در جمهوری اسلامی حکومت عبارت است از
رهبری، سه قوه، دستگاه‌ها و نهادهای حکومتی.
دولت: بخشی از حکومت است که اداره امور
اجرایی را به عهده دارد. (قوه مجریه)

مجلس: بخشی از حکومت است که اداره
قانونگذاری و انتخاب وزرا و نظارت بر دولت در
مسئولیت آن است.

قوه قضاییه: بخشی از حکومت است که امور
قضایی کشور را تصدی می‌نماید.

گاه دولت به کل حاکمیت یا حکومت یک

اداره امور قضایی در نظام‌های کشورهای جهان به عهده وزیر دادگستری است که وزیر دولت اعم از دولت شاه یا دولت رئیس جمهور می‌باشد و تعیین قضات و دادستان‌ها نیز توسط حکومت با ضوابط و شرایط خاص هر کشور انجام می‌گیرد به طور مثال در آمریکا قضات دیوان عالی آمریکا توسط رئیس جمهور که رئیس حکومت آمریکاست معرفی می‌شوند و هر قدر بخواهند مستقل باشند به هر حال باید به اصطلاح هوای رئیس جمهور را داشته باشند و این نافی استقلال قوه قضائیه است.

در قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ولایی در مجلس خبرگان قانون اساسی با توجه به این نقص بزرگ در قوای قضایی کشورها خبرگان با دقت در مابین اسلامی انتخاب ریاست قوه قضائیه و دادستان کل را به عهده ولی فقیه عادل گذاشتند تا او با رعایت ضوابط و معیارهای قضاوت و قاضی آنها را نصب کند. این قوه قضائیه است که مستقل از قوای مجریه و مقننه می‌باشد و می‌تواند دولت و رئیس جمهور و نمایندگان مجلس را طبق موازین قانونی محاکمه و بر حسن اجرای قوانین توسط آنها نظارت نماید. بنابراین موازین دقیق قوه قضائیه نمی‌تواند تحت امر یک حزب باشد و امام خمینی(ره) زمانی که آیت‌الله دکتر بهشتی را برای مسئولیت قوه قضائیه خواستند نصب کنند شهید بهشتی معروض داشت که من دبیر کل حزب جمهوری اسلامی هستم و این حزب را برای نظام لازم و ضروری می‌دانم و شما می‌فرمایید که ریاست قوه قضائیه را قبول کنم وظیفه ام چیست؟ امام فرمودند شما در حزب تحت تاثیر حزب نیستید فراتر از حزب هستید لذا می‌توانید هم دبیر کل حزب بمانید و هم این مسئولیت را بر عهده بگیرید بنابراین اگر ولی فقیه عادل در نصب خویش فردی را مانند شهید بهشتی فراتر از حزب یافت که در عین حال مسئولیت حزبی دارد می‌تواند او را به قوه قضائیه مأمور کند. او از طرف حزب قوه قضائیه را اداره نمی‌کند بلکه او از طرف ولی فقیه قوه قضائیه را مدیریت می‌نماید و حزب نمی‌تواند به او امر و نهی نماید در حالی که اگر حزبی قوه قضائیه را در اختیار بگیرد رئیس قوه قضائیه را از طرف حزب مأموریت می‌دهد که طبعاً او مأمور حزب است و باید در قوه قضائیه نگاه حزبی و دستورهای حزبی را رعایت کند که این با مبانی قضاوت در نظام جمهوری اسلامی ولایی انطباق ندارد. البته این مبحث نیازمند به نظرات دیگر بزرگواران به ویژه فقها و قضات محترم است تا حقیقت کامل مشخص باشد و این برداشتی است که اگر نقصی در آن است با طرح موضوع می‌تواند برطرف شود.

معصوم مربوط به ولی فقیه که عبد خداست، می‌باشد و حکومت او بر اساس مبانی و ضوابط الهی است. در نظام اسلامی تنفیذ ولی فقیه است که مشروعیت را حتی به مقبولیت‌ها در همه امور و قوای حکومتی می‌دهد حتی قانون اساسی که با رای مردم رسمیت می‌یابد و منشور ملی است برای مشروعیت شرعی تنفیذ ولی فقیه را باید داشته باشد. در نظام جمهوری اسلامی ولایی چون حاکمیت از آن خداست احزاب نمی‌توانند حاکمیت حزبی را مانند شوروی سابق یا چین یا کشورهای زیر حاکمیت حزب داشته باشند و حاکمیت حزبی جایگاهی ندارد. همچنین حکومت در این نظام تحت حاکمیت الله، مربوط به ولی فقیه عادل زمان است که توسط خبرگان رهبری که منتخب مردم هستند در انتخابات دو مرحله‌ای مردمی مسئولیت را به عهده می‌گیرند و خبرگان بر امور نظارت دارند. ولی فقیه عادل متعلق به همه مردم است و در محدودیت حزب قرار نمی‌گیرد زیرا حزب همه مردم را در بر نمی‌گیرد و احزاب بخشی از مردم را دارند.

● دولت و مجلس حزبی و شرایط آن

اما در مورد دولت به عنوان قوه مجریه، انتخاب رئیس جمهور به عهده مردم است که با تنفیذ ولی فقیه مشروعیت می‌یابد و از این رو می‌تواند در صورت رای مردم به یک حزب، دولت حزبی باشد لذا ولی فقیه و در نتیجه حاکم حکومت اسلامی حزبی نمی‌شود. اما دولت تحت ولایت فقیه و حکومت اسلامی می‌تواند با رای مردم دولت حزبی شود یعنی اگر مردم به معرفی شده حزبی برای مسئولیت ریاست جمهوری و دولت رای دادند با تنفیذ ولی فقیه دولت می‌تواند دولت حزبی باشد اما دولت حزبی باید همه جامعه را در امور کشور در نظر داشته باشد و از نگاه محدود و انحصار طلبانه حزبی پرهیز نماید. مجلس یعنی قوه مقننه نیز می‌تواند حزبی باشد یعنی مردم نمایندگان یک حزب را که آن حزب معرفی کرده است اگر انتخاب کردند و ولی فقیه مخالفتی نداشت مجلس حزبی تشکیل می‌شود لکن باز این مجلس حزبی مجلس تمام ملت است که یک حزب آن را اداره می‌کند و محدود به حزب نباید باشد. درباره قوه قضائیه این قوه در کل نمی‌تواند حزبی باشد زیرا رئیس قوه قضائیه و دادستان کل باید توسط ولی فقیه زمان منصوب شود تا بتوانند احکام قضایی را بر دولت و مجلس اجرا نمایند. نکته مهم این است که قوه قضائیه در نظام‌های دنیا مستقل نیست با اینکه همه می‌گویند قوه قضائیه باید مستقل باشد و به حسب احکام قضایی و حقوقی قضاوت کند و اگر نظر حاکمان بر قضاوت حاکم شود عدالت در قوه قضائیه نخواهند ماند. علت این است که

از آن اکثریت مردم، تفکر و مکاتب اندیشمندان حاکم و قدرت سلطه حاکم می‌باشد و بهترین نوع آن حاکمیت مردم است اگر واقعاً مردم به مفهوم (تمام مردم) حاکمیت داشته باشند لکن این حاکمیت مردم چون محدود به این دنیا و دانش مردم هر زمانه است محدود نگر است و بعد روحی و انسانی و جهان بینی دنیوی و اخروی را ندارد و لذا حاکمیت ناقص است. درحالی که در اسلام حاکمیت از آن خداست و خداوند این حاکمیت را در بخش اداره امور انسانی غیر از موازین ابدی ولایت‌تغییر اسلام به مردم و به انسان که خلیفه خدا در هستی است، سپرده است و تقدیر خویش را در تغییر سرنوشت انسان‌ها در رابطه با تدبیر آنها برای انتخاب سرنوشت خود قرار داده است و با اینکه خود حاکمیت مطلق هستی است و هر نوع تغییر، تحول، خلق و امر در اختیار خدای قادر و تواناست لکن می‌فرماید: ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یتوبوا ما بانفسهم پس حاکمیت مردمی کامل در اسلام در ظل حاکمیت الله است و تجربه مکرر تاریخ بشری اثبات می‌کند که اگر حاکمیت خدا نباشد و حاکمان به راستی عبد خدا نباشند قدرت مدارها حاکمیت را در اختیار می‌گیرند ولو آن را حاکمیت مردم اعلام نمایند. نمونه این حاکمیت مردمی الهی در حکومت پیامبران و پیامبر اکرم اسلام(ص) و امیر مومنان(ع) کاملاً مشخص است و نمونه آن حاکمیت که ناقص مردمی دنیوی در حاکمان نظام‌های غیر الهی و غیر اسلامی به خوبی آشکار است. بنابراین حاکمیت در اسلام از آن خدای متعال عادل و قادر می‌باشد و رسول خدا(ص) که به فرموده خداوند اولی بالمومنین من انفسهم می‌باشد عبدی برای خدای بزرگ است و همه امور او به اذن الله است و رسالت او نیز و حکومتش بر مبنای عبودیت اوست.

● حاکمیت الله در اسلام و نفی حاکمیت حزبی

در اسلام حاکمیت از آن خداوند متعال است که هیچ شریکی ندارد. ولی امر، ولایت فقیه، ریاست جمهوری، ریاست قوه قضائیه، مجلس و همه دستگاه‌ها و ارگان‌ها و نهادها تحت حاکمیت خداوند قادر هستند. ولی امر موظف است آن چه را احکام الهی است و رضایت خدای تعالی در آن است به کار گیرد. او نمی‌تواند نظرات شخصی خود را بر جامعه حاکم سازد برداشت او و نظراتش باید تابع احکام الهی باشد و در واقع ولایت فقیه ولایت شخص نیست ولایت فقه و ولایت خداست. ولی فقیه و حتی رسول خدا(ص) و امامان معصوم(ع) همه عبد خدا هستند و خداست که بر همه جهان هستی و مردمان ولایت دارد. الله ولی الذین آمنوا. له الخلق و الامر از اینرو حاکمیت حزبی و در رابطه با آن حکمرانی حزبی که حزب حاکمیت داشته باشد، میسر نمی‌باشد.

● حکومت ولایی و نفع حکومت حزبی

همین طور حکومت در حاکمیت الله حکومت اشخاص و ارگان‌ها و احزاب نیست حکومت بر اساس حاکمیت الله است و چون اسلام راس حکومت را رسول خدا(ص) می‌داند و پس از ایشان امام معصوم و در غیبت امام



حزب واقعی

محمد حاجی

روزنامه نگار

عواقب و عذاب سخت تر از عدم انجام تکالیف فردی دارد." ان الانسان لفی خسر الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر"

در حزب خدا محور اسلامی عمل به اسلام ناب نبوی و علوی و حسینی و زینبی موجب موفقیت و خوشبختی است. عقاید التقاطی و انحرافی و به کارگیری سلیقه های شخصی و اقدام بدون مبنای شرعی و عقلی و عملی گرچه به نام و تصور اسلام انقلابی یا اسلام عملی باشد، موجب ضلالت و انحراف از صراط مستقیم هستند و حزب را از خدا محوری به خود محوری و انحراف محوری می کشاند. نمونه هایی مانند فرقان و منافقین عبرتی بسزا هستند. ضمانت باقی ماندن در صراط مستقیم تعهد به ولایت فقیه عادل و مبنای فقه مرفقی اسلام و تایید روحانیت اصیل می باشد که اساس آن خدا محوری و ولایت محوری است. حزب محوری، خود محوری، خودپسندی و خودباوری قطعاً در هر مورد باشد، تفکر یا رفتار و گفتار خسران را هم به همراه خواهند داشت. حزب فقاقت مدار ولایی اسلامی با سایر احزاب و تشکل های غیر اسلامی کاملاً متفاوت است و نمی تواند مدل احزاب و تشکل های دیگر غربی و چپی و ملی را در حزب ولایی اسلامی به کار برد و شبیه آنان فعالیت نمود. ضمن آنکه از همه تجربیات تحزب در جهان به شرط عدم مغایرت با موازین اسلام، می توان استفاده کرد.

● رهبری و مدیریت در احزاب - اختلاف آراء - فصل الخطاب

حزب یک پدیده جمعی است که نیاز به رهبری، مدیریت، اقدام و نظارت دارد. رهبر اصلی در احزاب ولایی ولی امر مسلمین است که اولی الامر می باشد و نظر ایشان برای حزب، حجت شرعی است و در خط ولایت اقدام

هر حزب یک دستگاه و پیکره ای است که دارای اجزای متفاوت می باشد و ضروری است همه عوامل و ابزار، هماهنگ و با نظم مناسب و انضباط طبق برنامه معین با قاطعیت و انعطاف محاسبه شده، فعالیت های حزب را به سامان برسانند. هر گونه ناهماهنگی، بی برنامه ای، بی نظمی، بی انضباطی ولو توسط یک عضو یا مسئول در این دستگاه کل دستگاه را دچار مشکلات می کند.

● حزب - نظم و انضباط حزبی - رهبری حزبی - مسئولان حزبی

حزب با عملکرد شناخته می شود. اگر بازده های حزب مفید و کارا و در جهت نفع همه مردم (ما ینفع الناس) باشد حزب مطلوبیت می یابد، در غیر این صورت دچار انزوا شده و گاه کارش به منفوریت می کشد. حزب مجموعه ای از بالا به پایین نیست که رئیس حزب حرف اول را بزند و همه بی چون و چرا اطاعت کنند و هماهنگی از طریق صدور فرمان برقرار گردد. دبیر کل حزب بر اساس اساسنامه و مرامنامه و خط مشی مصوب و سیاست های کلان حزب و تدبیر در اداره و مدیریت حزب تصمیم می گیرد و حزب را رهبری می کند. (رهبری حزب غیر از رهبری امت است که به شکل امامت و ولایت و اطاعت امت سامان یابد) حزب مجموعه از بالا به پایین هم نیست که راس آن تابع بدون اختیار باشد بلکه حزب دبیر کل، مسئولان و مرکزیت حزب را انتخاب می نماید تا با در نظر گرفتن اهداف خواست های حزب، حزب را در چارچوب اساسنامه و مرامنامه و خط مشی سه ساله با تدابیر و مدیریت خود اداره نماید و به پیش برد و مدیریت باید اختیارات کافی داشته باشد تا موفق گردد و اعضاء و مسئولان از رهبری حزب تبعیت



و عمل دارد. رهبری حزبی در احزاب ولایی در سایه سار ولایت به عهده شورای مرکزی است که وظیفه راهبردی حرکت حزب را در جهت اهداف، اساسنامه، مرامنامه، برنامه های کلان و جهت گیری های اصولی حاکمیت خط ولایت به عهده دارد و این رهبری حزبی توسط رئیس شورای مرکزی و معاون و دبیر کل و قائم مقام او اعمال می شود. چگونگی این رهبری براساس شرایط زمان و حزب و نظر ولی امر به تصویب شورای مرکزی رسیده و به اقدام و عمل می رسد. شورای مرکزی و اعضای آن با شناخت کامل این نوع رهبری حزبی و چگونگی آن است که با تقسیم وظایف بین خود می توانند در اداره حزب موفق باشند. در هر حزب به ویژه در شورای مرکزی آن اختلاف آراء و دیدگاه ها و نظریه ها وجود دارد، عقلاء برای حل این موضوع، رای اکثریت را مناطق دانسته اند، از نگاه شهید آیت الله دکتر بهشتی رای اکثریت یک "مرجع عقلایی" است که عاقلان به آن عمل می کنند. امام خمینی (رحمة الله علیه) به مرحوم عسگر اولادی فرمودند: "حزب اکثریت و اقلیت دارد" و فرمودند: "اکثریت بکوشد اقلیت را اقناع نماید نه اسکات کند، اقلیت هم بداند که ممکن است در موارد دیگری اکثریت شود." در این مورد نکته ای ظریف وجود دارد که ممکن است از این اختلافات و رسیدن به فصل گاه به زمان عمل نرسد یا اقناعی پدید نیاید در این مواقع حزب نیاز به فصل الخطاب دارد که حرف آخر را او بزند و در مدیریت و اقدام و اجرای سیاست و برنامه های حزبی وقفه آسیب آور پدید نیاید.

داشته باشند تا رهبری بتوانند تصمیمات و مدیریت خود را اعمال کند. لا رای لمن لا یتطاع) بنابراین مجموعه از بالا به پایین و از پایین به بالا است که حقوق و وظایف متقابل دارند (واما حق علیکم و حقکم علی) و راس حزب و بدنه حزب هر دو باید حقوق یکدیگر را ادا نمایند. حزب نهادی مسئول و مسئولیت مدار است. مسئولان حزبی در برابر اعضاء مسئولند و اعضاء نیز در برابر مسئولان حزب تعهداتی دارند که برای انجام آن تعهدات باید احساس مسئولیت داشته باشند و همه با هم در برابر خداوند و انبیاء و امامان و ولایت امر و ملت اسلام مسئولند و پاسخگو باشند. (کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة) شناخت مسئولیت های متقابل و شناخت وظیفه هر یک از ارکان (عضو، حوزه، رابط، مسئولان، هیئت اجرایی، شورای مرکزی، هیئت نظارت، کار گروه ها و...) و اجرای سیاستگزاری و برنامه ریزی و برقراری هماهنگی و رعایت نظم و انضباط حزبی است که حزب را در اهداف و مقاصد به توفیق و پیروزی می رساند.

● احزاب مکتبی و تفاوت با سایر احزاب

احزاب و تشکل های عقیدتی و دینی مانند حزب اسلامی، تعهدات بر پایه ایمان و تکالیف الهی و موازین مکتبی است و ثواب کارهای خیر حزبی بیشتر از کارهای نیک فردی است زیرا همه از ثمرات آن بهره مند می شوند. همان طور که عمل نکردن به تعهدات حزبی یا سستی و کاهلی یا بی اعتناء بودن

● سه عامل تداوم انقلاب و سه عامل شیطانی

سه عامل، عواملی هستند که می‌توانند نظام اسلامی را در جامعه ما به وجود بیاورند و تداوم انقلاب را تضمین کنند.

۱- رهبری متکی به اسلام اصیل ۲- تشکیلات سیاسی فعالی که بتواند خودش مدیریت مملکت را به دست گیرد و عرضه حکومت کردن داشته باشد ۳- قدرت مسلح رزمی که بتواند در دفاع از چنین نظام اصیل اسلامی در برابر توطئه های سه عامل شیطانی داخل و خارج با فداکاری و جانبازی بایستد.

آیت الله شهید بهشتی سپس اصل سیاست شیطانی و ثابت دشمنان انقلاب و نظام اسلامی را بیان می‌کند که آن هم در سه عامل تمرکز دارد. ۱- خرد کردن چهره های اصیل اسلامی و به خصوص روحانی که موقعیت رهبری دارند و قدرت مقابله با دشمن دارند باید اینها را خرد کرد و جلوی گسترش رابطه خلاق و متقابل میان این ها و ملت مسلمان انقلابی را گرفت. ۲- تشکیلات سیاسی مستقلی که به اسلام به عنوان یک مکتب نگریسته است اسلام کامل خالص، اسلام اجتهادی که زنده است و پویاست ولی التقاطی نیست و اسلامی که می‌تواند در عرصه جهان یک قدرت نو به وجود آورد. آن سازمان اجتماعی و سیاسی که اسلام را با این دید به عنوان یک مکتب انتخاب کرده، این را هم باید خرد کرد. ۳- آن تشکیلات نظامی که با فداکاری و جانبازی در راه اسلام و دستورهای رهبری اسلام، خضوع و آمادگی رزمی تمام عیار نشان می‌دهد، این را هم باید خرد و داغون کرد.

● مسئولیت ها در حزب

در حزب اسلامی هر کس سعی می‌کند در این حزب در جای موثری قرار گیرد طبعاً هر چه جا موثر باشد سمت بالاتر و قدرت بیشتر است اما عضو در این سعی اش جاه طلبی خود را ارضا نمی‌کند. مقام طلبی انگیزه او نمی‌باشد بلکه وظیفه ای را می‌خواهد برعهده بگیرد و انجام دهد. اگر در این حزب رابطه تشکیلاتی بین تمام اعضاء و بین کل اعضاء با مردم دیگر از این روحیه برخوردار باشد آن وقت حزب الله است و حزب مفلحون ، رستگاران و سعادت آفرینان و حزب پیروزمندان، هم الغالبون و اگر رابطه دوستان ما در این حزب در سمت های مختلف، رابطه برتری جویی و تفوق طلبی و بزرگی طلبی باشد و کسانی در این حزب با این روحیه بودند آن وقت حزب شیطان است و روح تشکیلاتی "روح شیطانی" می‌شود. تشکیلات حزب باید رابطه دوم را نفی کند و رابطه اول را برقرار کند. به این ترتیب می‌توانیم بگوییم حوزه های حزب باید مسجد باشد برای اینکه چنین حوزه حزبی است که واقعا سازنده روح الهی و اخلاق است و سیاستش سیاست الهی و علوی است نه سیاست اموی. در این حزب هر کاری می‌کنید عبادت است. سازندگی باید داشته باشد. این حزب جای سیاست بازان و سیاست پیشگان نیست. جای مجاهدان راه حق است به انواع جهاد و این در سیمای گفتار و رفتار حزب باید نشان داده شود. این روح تشکیلات است آن وقت، جاذبه حزب یک جاذبه واقعی و طبیعی است و تبلیغاتش عملی است. ما مقدس مایی هم نمی‌خواهیم داشته باشیم همیشه مقدس مایی را محکوم کرده ایم. (با آن روحیه اول) همه دوستان باید برای تصدی کارها آماده باشند. همه شما خواهران و برادران باید قبول مسئولیت کنید ولی با آن روحیه اول و مراقب خود باشید.

● مدیریت حزبی

مدیریت در حزب غیر از رهبری حزب است. رهبری حزب به عهده شورای مرکزی است که توسط دبیر کل اعمال می‌شود. ریاست شورای مرکزی، هیئت رئیسه شورای مرکزی، مسئولان حزبی، معاونت ها، اعضای مسئول در هر بخش و ماموریت، رهبری ندارند و مدیریت مربوط در بخش خود را به عهده دارند. دبیر کل مدیریت حزب را هم به عهده دارد و جز در موارد لازم، امور را تصدی نمی‌کند، مدیریت می‌کند و مسئولان و امور جاری حزب را مدیریت می‌نماید. قائم مقام و مسئولان و معاونان و مدیران و بدنه حزب باید دبیر کل را در رهبری حزب و مدیریت آن صمیمانه یاری دهند. این مدیریت شامل امور فکری و اندیشه ورزی، برنامه ریزی، تدابیر، روابط و ارتباطات حزبی در داخل و بین الملل و اجرائیات و در واقع همه امور حزب است. هر مسئول نیز تحت مدیریت دبیر کل امور مربوط به بخش خود را اداره می‌نماید. دبیر کل می‌تواند در مدیریت خود امور را با قائم مقام خود اداره کند یا به دبیر اجرایی یا هر معاونت اختیارات لازم را بدهد در این صورت باید تکالیف ارجاعی به آنها کاملاً مشخص و تعریف شده باشد تا تداخل در مدیریت دبیر کل و مدیران پدید نیاید و مسئول مربوطه در امور ارجاعی وظایف و دستور کاری را بدانند تا بتوانند آنها را به نحو مطلوب انجام دهد. دبیر کل می‌تواند در هر مورد مأموریت ویژه بدهد تا مسئول آن مأموریت تکالیف معین را اجرا نماید. اگر حزبی دبیر اجرایی و معاونت اجرایی داشت امور اجرایی حزب توسط دبیر کل به دبیر اجرایی یا معاونت اجرایی ارجاع می‌گردد. در این حزب باید امور اجرایی و حدود آن کاملاً مشخص و از طرف دبیر کل به وی داده شود تا بتواند اجرای مطلوب داشته باشد زیرا اجرائیات بخشی از تکالیف حزب است. اگر حزبی دبیر اجرایی یا معاونت اجرایی نداشت دبیر کل اجرائیات را توسط معاونان خود اداره می‌کند یا آن را به قائم مقام خود واگذار می‌نماید.

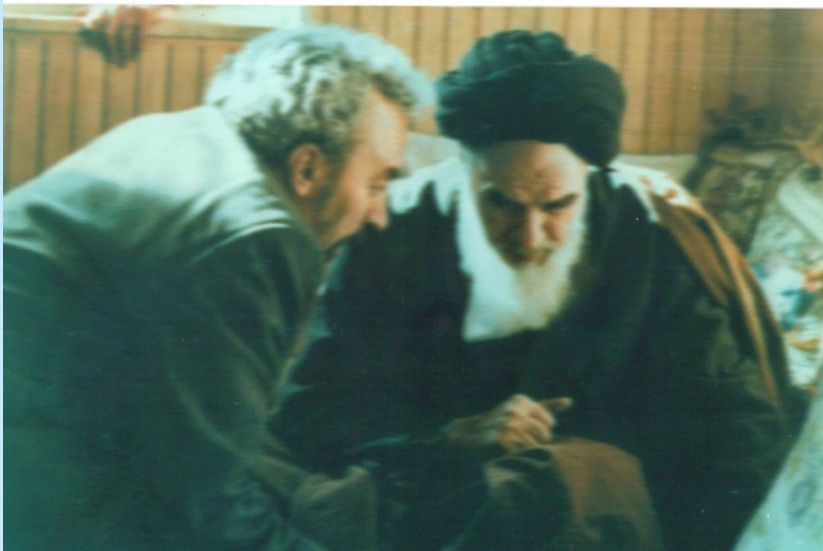
● ساختار حزب - حزب مردمی - حزب حاکمان و دو شکل قدرت

حزب ساختار کلان و پایه و چارچوب مشخصی دارد. حزب اداره یا سازمان یا کارخانه یا شرکت سهامی یا هیئت دینی نیست که هر کدام ساختار و شاکله و روابط و ارتباطات خود را دارند، حزب تشکل مردمی است که در اصل باید مردمی بماند ولو اینکه حزب حاکم شود. حزب اگر حزب حاکم و محل تجمع حاکمان و ملاء حاکمان (اطرافیان) و اصحاب قدرت شود، ساختار روابط و ارتباطات و موقعیت ها و پایگاه ها و نوع مسئولیت ها و در نهایت روحیات حاکمان را می‌یابد که با مردم و مردم سالاری متفاوت است زیرا مردمان، حاکمان نیستند. این حزب به تدریج به حزب مختص حاکمان تبدیل شده و از مردم فاصله می‌یابد و حزب قدرت می‌شود و نوعی استبداد جمعی و تشکیلاتی به آن حاکمیت می‌یابد و سقوط می‌کند و از حالت حزبی خارج می‌شود و به صورت تشکل یا طبقه حاکم یا قشر حاکم یا باند حاکم درمی‌آید.

قدرت در شکل تفوق طلبی و برتری جویی یک شکل است. یکی هم قدرت به صورت یک وسیله برای انجام خدمت بهتر و موثرتر در جهت خدمت به خلق برای رضای خدا. به همه کسانی که در این حزب آمده اند و خواهند آمد بگوییم که می‌شود انسان برای ایجاد زمینه های در دست گرفتن قدرت تلاش کند اما نه در دست خودش بلکه در دست گروهی که به عزم این خدمت با یکدیگر متشکل شده اند، این روح تشکیلات است در



نگاه مؤتلفه اسلامی به دولت حزبی



محمدباقر اسداللهی
روزنامه نگار
"دولت کریمه"
حزب خدا محور
چگونه و چرا؟

در برابر انسان سه پرتگاه هست مقام، شهوت و ثروت. اگر پای انسان در جاده مشرف به پرتگاه بلغزد یا سرش گیج برود سقوطی دردناک و وحشت آور خواهد داشت و اگر پای انسان استوار و سلامت باشد از زیبایی‌های دره و کوه و مناظر اطراف لذت برده از مواهب آن بهره می‌گیرد. این پای استوار و روح آرام در انسان‌های ارزش محور است که ارزش‌های انسانی و بالاتر از آن ارزش‌های الهی، انسان‌های هوس محور و هوسران و نفسانیت محور مادی گرا و آلوده و کژاندیشان در این مسیر پر پیچ و خم، همواره در معرض سقوط و تباهی هستند. هیتلر ها، ترامپ‌ها، بن سلمان ها و سران داعش آنگاه که در مقام قرار گرفته‌اند بالاترین جنایت‌ها و خیانت‌ها را مرتکب شده‌اند.

رجایی‌ها، لاجوردی‌ها، مهدوی کنی‌ها، باهنرها و عسکراولادی‌ها در مقام که قرار گرفته‌اند به اوج انسانیت و خدایی بودن رسیده‌اند و در بهشت قرب الهی جا گرفته‌اند در حالی که آن موجودات پلید به عذاب‌های اخروی دچار شده و می‌شوند.

اسلام ثروت را ابزار خدمت به بندگان خدا و جستجوی رضوان الله و سیر در مسیر خدایی می‌خواهد ضمن آنکه ثروتمندی که خدامحور است را محبوب خدا می‌داند. (ابتغاء رضوان الله، ابتغاء وجه الله، جاهدوا باموالهم فی سبیل الله) در حالی که دنیای مادی گرا و سرمایه‌داری پول و ثروت را ابزار برآورده شدن امیال، هوسرانی، زورگویی، ستمگری و سوء استفاده از فقرا می‌کند. شهوت و شهوترانی آرزوی آنهاست و خواسته‌های نفسانی هدف آنان است و مقام برای آنها بت و خدای خدایان است. از این رو دنیای مادی گرا سراسر فساد، تباهی، نامردمی، زور، سلطه، استکبار، استعمار و استثمار است. دنیای تاریکی‌ها، دنیای ظلمها و زورگویی‌ها که در تاریخ امپراطوران، شاهان، خاقانها، خانها و ارباب‌ها فراوان است. دنیای معاصر هم جهانی خسته و رنج برده از استکبار و استثمار و سرمایه‌داران صهیونیست و کشتارهای رنج‌آور مردمان مانند هیروشیما و ناکازاکی توسط روزولت مدعی تمدن و چرچیل مدعی دموکراسی و استالین مدعی برابری خلق است و



شده که مسئولیت نخست وزیری را به عهده بگیرید، گفت باید بررسی کنیم ببینم آیا وظیفه شرعی من است که باید به آن عمل کنم؟ آیا توان این مسئولیت را دارم؟ آیا مقام مرا تغییر نمی‌دهد؟ یک هفته بررسی کرد و بعد پذیرفت. او نخست وزیر و سپس ریاست جمهوری را به عنوان تکلیف الهی و برای اقامه دولت کریمه پذیرفت در حالیکه نامزدهای دیگر الا یکی دو نفر در پی رسیدن به ریاست جمهوری از هیچ کاری کوتاهی نمی‌کردند. بنی صدر که با حمایت پنهانی استکبار و در پی رسیدن به مقام با آمریکا و غرب سازش کرده بود و تفاوت این دو در همان ارزش گرایی و بی ارزشی بود.

اگر حزبی در پی دولت حزبی باشد سه نوع عمل می‌کند ۱- حزب خدامحور، "حزب الله" که در پی دولت کریمه اسلامی و حاکمیت ارزش‌هاست نه اینکه بخواهد چون حزب است و باید به قدرت برسد در پی مقام طلبی بر آید تا خواسته‌های نفسانی حزب و اعضای آن را برآورده سازد. ۲- حزب ارزشی غیر الهی که در پی اهداف انسانی است که قابل احترام است. ۳- حزب غیر ارزشی حزب الشیطان که در پی رسیدن به مقام برای ارضای خواسته‌های غیر ارزشی و ضد ارزشی و نفسانیات مادی است مانند حزب‌هایی از احزاب آمریکا و انگلیس و یا حزب صهیونیسم.

● حزب مؤتلفه و دولت حزبی

حزب مؤتلفه اسلامی اگر معتقد است که در برهه حساس فعلی می‌تواند مشکلات جاری را رفع کند و کشور را از مدیران ناکارآمد و سیاست‌های غلط و سوء استفاده گران از بیت‌المال نجات دهد و پیشرفت عدالت محور و رفاه عادلانه را تامین کند، هر حزبی را نمی‌گوید بلکه حزب ارزش گرا و خدا محور را قبول دارد تا با برنامه‌هایی بر اساس فقه موقتی اسلام و خط اصیل امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای و با نیت خالص خدمت در رسالت الهی و حاکمیت ارزش‌ها، خط مشی و برنامه تحول در کشور را طراحی کند و با چهره‌هایی از جنس رجایی، لاجوردی، باهنر و بهشتی ایران و مردم خوب آن را به سعادت‌مندی و عزت دنیا و آخرت برساند.

پس از آن دیربایسن‌ها، میانمار‌ها و فلسطینی‌ها و بمباران شیمیایی حلبچه و سردشت توسط صدام که مورد حمایت مدعیان دموکراسی حقوق بشر غربی بود و در سال‌های اخیر کشتار مردمان بی گناه یمن و بمباران‌های روزانه وحشیانه دولت سعودی و سکوت سازمان ملل و حقوق بشری‌های غربی و مدعیان دموکراسی که دیگر برای آنها رسوایی‌های بین‌المللی هم جایی ندارد.

دولت در اسلام "دولت کریمه" است که تمنای هر انسان مسلمان ارزش گرایی است. (اللهم انا نرغب الیک فی دولت کریمه) دولت کریمه دولت ارزش گرا است و در پی حاکمیت ارزش‌های الهی و انسانی است، به جای حاکمیت شخص‌ها یا قومیت‌ها یا حاکمیت دولت‌ها در پی حاکمیت راستی، پاکی و خدمت با عزت و دعوت به همه خوبی‌ها و مسئولیت‌دهی به خوبان است که در آن عزت و کرامت انسان به دست آید.

دولتی که دورویان چند چهره را رسوا می‌کند، نقابداران مردم فریبی را افشا می‌کند که منافقانه در پوشش شعارها و چهره‌ای ارزشی اقدام به غارتگری حق و خزانه‌های مردم و مقام پرستی و برآوردن خواسته‌های نفسانی و آلوده به زشتی‌ها و پلیدی‌ها می‌کنند و آنها را خوار و حقیر می‌سازد. (تذل بها النفاق و اهله)

انسان‌ها در این دولت کریمه از دعوت کنندگان به طاعت الله که همان پیروی از ارزش‌های الهی می‌باشد، هستند. (الدعاه الی طاعة الله) و نتیجه و دستاورد اصلی دولت کریمه بهره‌مندی و کرامت دنیا و آخرت همه انسانها است.

دولت کریمه توسط انسان‌هایی شکل می‌گیرد که رجایی‌گونه و بهشتی‌گونه در پی حاکمیت ارزش‌های الهی باشند و خود واجد ارزش‌ها باشند. در زندگانی و اندیشه و گفتار و نوشتار خود ارزشی بوده و ارزش گرا بمانند در پی خواسته‌نفسانی در مسئولیت‌یابی و مقام‌خواهی و قدرت‌طلبی نباشند مانند شهید رجایی که چون همراه شهید اسلامی به ایشان گفته شد در شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی تصویب

ضرورت حضور تشکل وحدت‌گرا و دولت‌ساز

دارد.

تشکل مطبوع شما یعنی؛ جبهه همبستگی ملی نیروهای انقلاب اسلامی (همنا) تا چه اندازه تلاش دارد تا بر محور و اصول تشکیلاتی کار کند؟

شاید امروز بزرگ‌ترین چالش کشور، ناشی از بی‌توجهی و غفلت از کادر سازی و تربیت نیرو برای اداره امور باشد. امروز رویکردها در یک تشکیلات مهم است زیرا گروهی می‌تواند کشور را خوب را اداره کند که پایبند به ارزش‌های انقلاب بوده، شرایط و تحولات اجتماعی را درک کند و برای آن‌ها، در یک ساختار مشخص، نیرو تربیت کند. این اعتقاد در همنا از نگاه مسئولیت‌پذیری اجتماعی نشئت می‌گیرد.

شما در مصاحبه‌ای

یکی از اهداف همنا را

کاهش فاصله بین نسل اول و سوم انقلاب بر شمرده‌اید عمده‌ترین مصادیق این فاصله کجاست و چطور همنا در کاهش این شکاف نقش آفرینی می‌کند؟

در زمینه استفاده از توان نسل سومی‌های انقلاب کوتاهی کرده‌ایم. انقطاع بین نسل اولی‌ها با نسل سومی‌ها امروز از جمله چالش‌های کشور است. در فاصله سال‌های گذشته بر اساس پیچیدگی تحولات اجتماعی تغییر بر تدبیر پیشی گرفته است و این تحولات است که جامعه و جوانان را به دنبال خود می‌برد نه مدیریت ما در جامعه و خانواده و مدیریت عالی کشور. فراهم آوردن بستری برای ورود جوانان به چرخه حاکمیت و مدیریت، شاید از نخستین و مهم‌ترین گام‌ها باشد.

به اعتقاد شما موانع تحقق دولت و مجلس حزبی در کشور چیست؟

عوامل متعدد تاریخی و فرهنگی در این امر دخیل هستند. چه در دوران پیش از انقلاب که دولت‌های رانتی، خشونت سیاسی، توسعه ناقص و شکل نظام پادشاهی و چرخه استبداد مانع این امر بود و چه در بعد از انقلاب که وقوع جنگ تحمیلی و سپس تجربه بسیار ناموفق دولت توسعه سیاسی که دل‌زدگی از احزاب جدید دولت ساخته را نهادینه‌تر کرد، مجموع این عوامل در کنار هم تشکیل شبکه درهم‌تنیده‌ای برای تداوم فرهنگ سیاسی سنتی و تبعی بوده و باعث شده که احزاب به معنای حقیقی کلمه شکل نگیرند بلکه گروه‌های سیاسی بنام حزب در ایام انتخابات موقتاً فعالیت کرده و بعد از آن هیچ رابطه دقیق و تعریف شده‌ای میان نمایندگان حزبی و خود حزب وجود ندارد. پیش از هر چیز، پرداختن به این مشکلات فرهنگی و نهادینه کردن فرهنگ کار تشکلی، از مهم‌ترین مقدمات شکل‌گیری دولت و مجلس حزبی است.

و در آخر نظر شما به‌عنوان یک فعال سیاسی در خصوص حزب موتلفه اسلامی و فعالیت‌های این تشکیلات چیست؟

حزب موتلفه اسلامی از قدیمی‌ترین و ریشه‌دارترین تشکل‌های سیاسی تاریخ ایران است که در روند شکل‌گیری احزاب در تاریخ معاصر، نقش بی‌بدیلی دارد. جهان‌بینی الهی، ثانویه بودن مسئله قدرت در اندیشه این حزب، پیوند عمیق و ساختاری با روحانیت، ایفای نقش ویژه در بزنگاه‌های تاریخی، حضور شخصیت‌های منحصربه‌فردی مانند مرحوم عسگرآلادی، موتلفه را به تشکلی ویژه در تاریخ ایران بدل می‌سازد. امیدوارم که این سرمایه عظیم تجربی، انسانی و تاریخی در راستای اهداف عالیه نظام اسلامی و گسترش فرهنگ حزب، به کار گرفته شود.

از تجربه رئیس فاتب تا نائب رئیسی شورای اسلامی شهر بخشی از کارنامه مرتضی طلایی است؛ البته عضویت در جمعیت پیشرفت و عدالت و جمنا بخشی از فعالیت‌های تشکیلاتی اوست، طلایی که این روزها با اعلام موجودیت جبهه همبستگی ملی نیروهای انقلاب اسلامی (همنا) به عنوان دبیر کل این جبهه شناخته می‌شود؛ در گفتگوی تفضیلی با خبرنگار هفته‌نامه شما از فعالیت تشکیلاتی در ساختار نظام جمهوری اسلامی می‌گوید:

با نگاهی به وضعیت سیاسی کشور؛ به نظر شما؛ جایگاه حزب و تشکل در نظام اسلامی چگونه است؟

شاید در سال‌های پس از انقلاب و به دلیل عدم موفقیت احزاب در ورود به عرصه اداره کشور، این باور در جامعه پیدا شده که ساختار سیاسی نظام حاکم، منافعی فعالیت حزبی است اما در اندیشه و رویه امامین امت یعنی امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، جایگاه فعالیت حزبی، یک جایگاه رفیع و با اهمیت است. در تعبیری از رهبری با این فرمایش ایشان مواجه می‌شویم که: «به‌طور اجمال بگویم ما با تحزب مطلقاً مخالف نیستیم. این که خیال کنند ما با حزب و تحزب مخالفیم، نه، این‌طور نیست. قبل از پیروزی انقلاب، پایه‌های یک حزب بزرگ و فعال را خود ما ریختیم؛ اول انقلاب هم این حزب را تشکیل دادیم، امام هم تأیید کردند، چند سال هم با جدیت مشغول بودیم؛ البته بعد به جهاتی تعطیل شد. همان وقت به ما اشکال می‌کردند که تحزب با وحدت عمومی جامعه مخالف است. تحزب می‌تواند در جامعه انجام بگیرد، وحدت هم صدمه‌ای نبیند؛ این‌ها با هم منافاتی ندارد. آن حزبی که مورد نظر ماست، عبارت است از یک تشکیلاتی که نقش راهنمایی و هدایت آحاد مردم را به سمت یک آرمان‌هایی ایفاء می‌کند» دو شاخصه حفظ وحدت و راهنمایی به آرمان، دو شاخصه ضروری تحزب در نظام است.

با این مقدمه در ساختار کنونی نظام جمهوری اسلامی، فضای سیاسی کشور تا چه اندازه نیازمند تحزب است؟

مطابق با مبانی انقلاب اسلامی اعم از سیره امام خمینی (ره)، منویات رهبر معظم انقلاب، متن قانون اساسی و همچنین قانون فعالیت احزاب و مجموعه قوانین مربوط به فعالیت احزاب، هیچ منعی برای فعالیت گسترده حزبی در کشور وجود ندارد. نمی‌توان دلایل فقدان فعالیت منسجم حزبی را در وجود محدودیت‌های قانونی و یا فقدان ظرفیت‌های سیاسی جست. اما با عنایت به تمامی تجربه‌های ناموفق، به‌ویژه احزاب دولت ساخته، بیش و پیش از هر چیز، نیازمند تشکل حزبی اصیل، وحدت‌گرا و دولت ساز هستیم و نه احزاب دولت ساخته به سبک کنونی.

با توجه به فعالیت‌هایتان در عرصه‌های گوناگون سیاسی به نظر شما نگرش جناحی چه تفاوتی با نگرش حزبی در اداره امور حاکمیت دارد؟

راهبرد، جهان‌بینی، روش، سازمان‌دهی و دانش، ارکان و ریشه‌های یک فعالیت تشکیلاتی و حزبی است. در واقع در مبانی نظری انقلاب اسلامی، هر تشکل و حزبی که این ارکان را منطبق با جهان‌بینی انقلاب اسلامی داشته باشد، یک حزب الهی و موفق خواهد بود. در نقطه مقابل تفکر جناحی، یک تفکر سودمحور، منفعت‌گرا، قبیله‌ای و بسته است که الزاماً به کمتر شاخصه‌ای از شاخص‌های کار حزبی وابستگی یا حتی تکیه



محسن هاشمی مطرح کرد:

وقتی ما جمهوریت را پذیرفتیم باید حزب داری را نیز بپذیریم

حزب موثله می تواند به عنوان یک حزب قوی و میانداز به میدان بیاید



شکل می دهند که بتوانند مرحله بعدی قدرت را به دست بیاورند و یا در انتخاب بعد موفق باشند. با این تعبیر شما پس می توانیم این طور استنباط کنیم که احزاب اعم از احزاب دولت ساخته و مستقل؛ پله ای برای افراد می شوند تا به جایگاه بالاتری دست پیدا کنند؟

نه این طور نیست، در کشور ما بحث جمهوریت به درستی جا نیفتاده، ما اسلامیت نظام را داریم اما به جمهوریت درست عمل نمی کنیم؛ یعنی وقتی جمهوریت را پذیرفتیم باید بحث حزب را نیز بپذیریم و در جمهوریت باید اجازه شکل گیری و فعالیت احزاب قدرتمند را بدهیم و وقتی احزاب قدرتمند شکل گرفت، دولت ما از دل این احزاب بیرون می آید و حزب مسئولیت فعالیت های دولت را باید بپذیرد و موفقیت دولت باید موفقیت حزب تلقی شود؛ ولی متأسفانه این اتفاق نمی افتد و این طور نیست که احزاب سکوی پرش افراد باشند معمولاً در کشور ما احزاب نتوانستند ورود جدی به مسائل پیدا کنند و این جبهه ها هستند که عامل بوده اند؛ یعنی بیش از بیست تا سی حزب ائتلاف کرده اند و تصمیم گرفتند فردی را کاندید کنند و چون فرد از ائتلاف مجموعه ای از احزاب انتخاب می شود نمی توان گفت که یک فرد از دل یک حزب بیرون آمده ولی این امکان وجود دارد که فرد منتخب احزاب، از آن احزاب عدول کند و از آن ها جدا شود و یک قدم به سمت حاکمیت برود و خودش به دنبال تأسیس حزب بیافتد تا برای خود قدرتی ایجاد کند؛ بنابراین هیچ گاه احزاب در ایران قدرتمند نشدند و تعداد آن ها بسیار زیاد شد در حال حاضر اصولگرایان و اصلاح طلبان احزاب، تشکلهای و انجمن های گوناگونی را در خود دارند و وقتی دولتی از دل این مجموعه ها بیرون می آید تازه به این فکر می افتد تشکیلات وسیع تری ایجاد کند تا این گروه ها را نیز به خود ملحق کند و معمولاً این اتفاق رخ نمی دهد و البته سیاست حاکمیت نیز مبتنی بر این است که احزاب قدرتمند شکل نگیرند.

آقای هاشمی؛ شما معتقدید حاکمیت اجازه شکل گیری احزاب قدرتمند را نمی دهد؛ برای این فرضیه چه استدلالی

که در کتاب حسین بشریه با عنوان موانع توسعه سیاسی در ایران آمده که یکی تمرکز منابع قدرت و حالت استبدادی در کشور بوده و دومی وضعیت نابهنجار فرهنگی و اجتماعی و جدا بودن و چندپارگی فرهنگی اجتماعی و در نهایت فرهنگ سیاسی حاکمیت نسبت به جامعه بوده که اجازه شکل گیری احزاب قدرتمند در ایران را صادر نکرده است.

شما مدت های مدیدی در حزب کارگزاران؛ به عنوان حزبی که در معادلات قدرت نقش ایفا کرده است حضور دارید؛ چرا عده ای از افراد پس از رسیدن به قدرت حزبی که او را به این جایگاه رسانده فراموش کرده و تکروی می کنند؟

این موضوعی که مطرح کردید مخصوصاً درباره کسانی که در موقعیت بالایی در کشور قرار می گیرند صادق است و آن ها برای اینکه حاکمیت در مدیریت وضعیت فعلی اثر بیشتری در کشور دارد ابتدا خود را برای اعتمادسازی؛ از حزب جدا می دانند، نکته دیگری که سبب بروز چنین رفتاری می شود مسئله فراجحای بودن و کسب محدودیت در نزد سایر جناح ها است و ترجیح می دهند این جداسازی را انجام دهند؛ بعضی افراد نیز در سمت ریاست جمهور، معاون رئیس جمهور و یا پست های این چنینی قرار می گیرند و ممکن است با کمک حزب یا جبهه ای در رأس امور قرار گرفته باشند و در

اگر کشور روزی بخواهد به احزاب

قدرت بدهد حزب موثله می تواند

به عنوان یک حزب قوی و میانداز به

میدان بیاید و بقیه احزاب و دسته ها را

به دور خود جمع کند و مجموعه قوی

را تشکیل دهد.

این شرایط گاهی پیش می آید که حاکمیت با آن جبهه ارتباط گسترده ای ندارد و این شخص برای اعتمادسازی و پیشبرد اهداف خود؛ تلاش می کند از حزبش دور شود.

بر همین اساس آیا دولت ها به احزاب نیاز دارند و یا حیات سیاسی احزاب در گرو دولت هاست؟

اصلاً روش دولتمداری در جمهوریت این است که وقتی ما جمهوریت را پذیرفتیم باید حزب داری را نیز بپذیریم در حال حاضر در کشور ما این طور شده که یک دولتی ایجاد می شود و از دل این دولت حزبی بیرون می آید این طور نیست که دولت از دل حزب دربیاید همین مسئله باعث خلط موضوع می شود که این احزاب هستند که دولت ها را تشکیل می دهند و یا دولت ها هستند که مولد احزاب هستند؛ در حالت طبیعی باید احزاب دولت ها را تشکیل دهند و بعضاً احزابی

نگاه به فعالیت احزاب و بازخوانی نقش آن ها در معادلات قدرت در نظام جمهوری اسلامی موضوعی است که در یک روز پاییزی ما را به سراغ مهندس محسن هاشمی؛ رئیس شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی و فرزند رئیس فقید مجمع تشخیص مصلحت نظام برد و با او که حزب مطلوبش سال ها در رأس امور حاکمیت بوده است به گفتگو نشستیم؛ مشروح این گفتگو را می خوانیم:

آقای هاشمی با نگاهی به فضای سیاسی کشور و با توجه به اهمیت مسئله احزاب در نظامات سیاسی جهان، جایگاه حزب در تمامیت ارضی ایران چیست؟

ابتدا لازم است از اینکه این فرصت را به من دادید تشکر کنم، حزب در جهان سابقه چند صد ساله دارد اما در ایران سابقه حزب به دوران مشروطیت بازمی گردد و نسبت به دنیا عمر زیادی ندارد، در جمهوری اسلامی متأسفانه حزب نتوانسته جایگاه خود را پیدا کند و اگر به معنای واژه حزب و حزب که یک واژه عربی است نگاهی بیندازیم در ایران ترجمه این واژه به گروه و دسته سیاسی اطلاق می شود و مردم اصولاً نگاه مثبتی به این موضوع ندارند و تشکلهای حزبی نتوانستند آن طور که باید و شاید جایگاه خود را در نظام جمهوری اسلامی پیدا کنند، اما برای اینکه به موضوع بپردازیم باید به علل ناکارآمدی احزاب در ایران، موانع تشکیل احزاب قدرتمند و توجهی به مسائل و آسیب شناسی احزاب داشته باشیم که هر یک از این ها سرفصلی ویژه دارد و باید دید که این موانع و آسیب و علل ناکارآمدی چه بود.

از منظر شما چرا احزاب نتوانستند در نظام اسلامی سازوکار اصلی خود را پیدا کنند و اصولاً از منظر شما این سازوکار باید به چه امری منتهی شود؟

من وقتی در حزب داری جریان خود که حزب کارگزاران است جستجو می کردم احساس شخصی بنده این است که به دلیل قدرت حاکمه یا قدرت استبدادی گذشته در ایران باعث شده احزاب نتوانند کارآمدی لازم را در کشور پیدا کنند معمولاً می توان گفت به دلیل اینکه امنیت جدی در گذشته؛ در فضای استبدادی برای احزاب وجود نداشته این احزاب نتوانستند به محصول نهایی که دموکراسی مصطلح غربی است برسند البته برخی معتقدند نباید این گونه باشد و مفهوم دموکراسی غربی در ایران باید بومی سازی شود و یک نگاه دیگری به آن شود. ما مشاهده می کنیم که برخی از گروه های مذهبی مانند روحانیت مبارز و یا مدرسین قم در گذشته موفق تر از احزاب در ایران بوده اند. همچنین گروه های وابسته به اقوام که در حوزه فرهنگ عمومی فعالیت می کردند به موفقیت های بیشتری دست پیدا کردند در نهایت می توان گفت این موضوع همانی است

ائتلافی که ایجاد کرده‌اند را ادامه بدهند اصولاً وجود احزاب دستوری وابسته به دولت در زمان قدرت آن دولت شکل می‌گیرد که بعد فوراً از بین می‌رود البته بعضی از احزاب در کشور ما وابستگی به بیگانگان نیز پیدا کردند و بعضی از آن‌ها به‌مرور زمان دچار ایدئولوژی‌های الحادّی و التقاطی شدند؛ این امور باعث شده بعضاً نظر مردم نسبت به احزاب و به‌ویژه احزابی که به بیگانگان مرتبط شده‌اند خیلی بد و منفور شود.

با نگاهی به زندگی مبارزاتی و سیاسی مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی؛ می‌توان متوجه اهمیت فعالیت تشکیلاتی از منظر وی شد؛ به عقیده شما؛ نظر ایشان در خصوص فعالیت تشکیلاتی در جمهوری اسلامی چه بود؟

به نظرم می‌آید نظر ایشان بر این متکی بود که ما باید کم‌کم برای حفظ جمهوریت نظام اجازه بدهیم احزاب قدرتمند در کشور شکل بگیرد و مسئولیت مشکلات مردم را به عهده بگیرد به صورتی که پلی بین مردم و حاکمیت باشد تا این مشکلات را مردم از دید حاکمیت و ولایت‌فقیه و رهبری نبینند و اگر مشکلی در جامعه ایجاد می‌شود بدانند که ناشی از انتخاب خودشان بوده؛ به‌ویژه مشکلات صنفی و زندگی و به اهمیت انتخاب درست پی ببرند و اگر این اتفاق نیفتد صدمه به حاکمیت وارد می‌شود و این باعث می‌شود نظام ولایت‌فقیه و رهبری معظم انقلاب تضعیف شوند؛ در نتیجه به نظر می‌آید باید فکری از این حیث برای جمهوریت نظام و حفظ شأن حاکمیت در کشور شود.

به عنوان سؤال پایانی آقای مهندس؛ نظر خودتان در خصوص فعالیت تشکیلاتی؛ حزب مؤتلفه اسلامی چیست؟

حزب مؤتلفه اسلامی یک حزب قدیمی در کشور است و عمدتاً در جبهه راست قرار گرفته و با توجه به ایجاد احزاب و دسته‌ها که بعداً تشکیل شدند و نزدیکی بیشتری با حاکمیت برقرار کردند باعث تضعیف مؤتلفه شد. در گذشته که این دسته‌ها و گروه‌ها نبودند حزب مؤتلفه می‌توانست قوی‌تر عمل کند اما کم‌کم دسته‌های کوچک دیگر ایجاد شدند که باعث شده مؤتلفه نتواند کارایی خود را داشته باشد ولی به نظر می‌آید این حزب یک مجموعه تشکیلاتی قوی است و من همیشه اتفاقاً با آن‌ها در ارتباط بوده و هستم و در گذشته نیز بزرگان این حزب با مرحوم ابوی؛ آیت‌الله هاشمی رفسنجانی ارتباط داشتند و این حزب از تشکیلات منسجمی برخوردار است و اگر کشور روزی بخواهد به احزاب قدرت بدهد حزب مؤتلفه می‌تواند به‌عنوان یک حزب قوی و میاندار به میدان بیاید و بقیه احزاب و دسته‌ها را به دور خود جمع کند و مجموعه قوی را تشکیل دهد.



داده می‌شود و حتی در بعضی از کشورها ممکن است متناسب با درصد مقبولیت به احزاب اجازه فعالیت در مجلس و شوراها را بدهند اما این طور نیست که هرکس بیشترین رأی را آورد اکثریت اعضا از جانب او تعیین شوند در این الگو به احزاب درصد می‌دهند و همیشه شاهد حضور اقلیت و اکثریت در شورا و مجلس هستیم اما در کشور ما این چنین نیست و اصولاً هیچ کمکی از سوی دولت به احزاب نمی‌شود. در زمینه درآمذزایی احزاب نیز دچار رانت‌خواری و این آفات می‌شوند و نگران مسائل فساد و امور قضایی هستیم؛ بنابراین احزاب نمی‌توانند به درآمذزایی برسند و دستشان بسته است لذا می‌بینم احزاب در ایام انتخابات فعال می‌شوند و سپس تا انتخابات بعدی در لاک خود فرو می‌روند ولی خوشبختانه ما در کشورمان تعدد انتخابات داریم و احزاب حضور پیدا می‌کنند و از اطرافیان کمکی دریافت می‌کنند و فعالیت انتخاباتی می‌کنند این موضوع البته منفی نیست زیرا احزاب می‌توانند خودشان را نشان بدهند البته آن‌ها بعد از انتخابات نمی‌توانند دخالتی کنند و همین باعث شده مردم نگرش خوبی به احزاب نداشته باشند.

شما از دلایلی متعددی نام بردید که سبب عدم اقبال مردم به موضوع حزب می‌شود اما آیا نگرش منفی پیش از انقلاب نسبت به حزب در عدم تمایل مردم به فعالیت حزبی و احزاب بعد از انقلاب تأثیرگذار بوده است؟

قبل از انقلاب احزاب اصولاً دولت ساخته بودند. بعد از انقلاب احزاب بعضاً دولت ساخته هستند اما حاکمیت ساخته نیستند در نتیجه می‌توان گفت به همین دلیل قدرت پیدا نمی‌کنند و مردم نیز به آن‌ها به‌عنوان دسته سیاسی نگاه می‌کنند و این‌طور تصور می‌شود که احزاب به دنبال قدرت برای خودشان هستند و احساس دلسوزی از طرف آن‌ها نمی‌کنند و می‌توان گفت ساختار مطلقه قدرت است که با فقدان امنیت و وجود احساس ناامنی برای احزاب ایجاد می‌شود و به احزاب این اجازه را نمی‌دهد که بتوانند فعالیت خود را جدی کنند و به نظرم می‌آید اگر ما ورود پیدا نکنیم که این بدبینی نسبت به احزاب را در فضای جمهوریت نظام درست کنیم قطعاً دچار تضعیف می‌شویم.

در بخشی از گفتگو از تشکیل جبهه‌ها در ایام انتخابات گفتید؛ به نظر شما این جبهه‌های موسمی تا چه حد می‌تواند به عملکرد احزاب آسیب برساند؟

خود این جبهه‌ها که در سؤال مطرح کردید متشکل از احزاب هستند وقتی شما می‌گویید جبهه یعنی چند گروه و حزب و دسته دورهم جمع می‌شوند و جبهه‌ای را تشکیل می‌دهند.

و اصولاً بین این جبهه‌ها چند صدایی و اختلاف ایجاد می‌شود؟

بله این‌ها معمولاً در یک‌زمانی دورهم جمع می‌شوند و سپس به اختلاف برمی‌خورند چون ائتلاف آن‌ها یک ائتلاف سازمان‌دهی شده نیست یعنی ما یک ضعف جامعه مدنی در کشور و همچنین کمی تجربه مشارکت‌های اجتماعی در کشور را داریم که این گروه‌ها را فوراً به اختلاف می‌کشاند و نمی‌توانند آن

دارید؟

این مسئله به دلیل حفظ قدرت حاکمیت اتفاق می‌افتد.

یعنی وجود احزاب قدرتمند با قدرت حاکمیت منافات دارد؟

بله؛ الآن تناقضی وجود دارد چون سیاست بنیادی نظام اعم از سیاست دفاعی، امنیتی، خارجی، فرهنگی و... از دل حاکمیت بیرون می‌آید و احزاب برای اینکه بخواهند در معرض دید مردم قرار بگیرند با این سیاست‌ها مخالفت کنند و وقتی به قدرت رسیدند باید اعمال نظر کنند اما به دلیل مخالفت حاکمیت نمی‌توانند آن‌را اعمال کنند؛ بنابراین نمی‌توانند به قول‌های خود نسبت به مردم عمل کنند و در نتیجه تضعیف می‌شوند.

پس با این پیش‌فرض شما؛ نباید امیدی به شکل‌گیری احزاب مؤثر و قدرتمند در کشور داشت؟

نخیر امیدی در این خصوص نیست؛ مگر اینکه حاکمیت خود تصمیم به تغییر ساختار بگیرد.

یعنی شکل‌گیری و فعالیت احزاب مؤثر به اراده حاکمیت مرتبط است؟

بله، یعنی املاء حاکمیت باید اجازه شکل‌گیری احزاب قدرتمند را بدهد و سپس اجازه بدهد مردم نظرات آن‌ها را بشنوند؛ همچنین حاکمیت اجازه اجرا و اعمال نظرات را به حزب بدهد البته احزاب هم در چارچوب و ساختار کشور باید فعالیت کنند؛ به‌رحال ما بارها شنیده‌ایم که سیاست‌های اصلی نظام با تغییر افراد عوض نمی‌شود.

یکی از احزابی که از همان ابتدای انقلاب برای اداره امور کشور ایجاد شد؛ حزب جمهوری اسلامی بود؛ آیا این حزب در ایران بعد از انقلاب می‌تواند نمونه یک حزب قدرتمند باشد؟

نباید فراموش کرد که در آن سال‌ها حزب جمهوری هم موفق نشد و یک دو سه سالی در کنار حاکمیت قرار گرفت و سیاست‌های حاکمیت را پیش برد اما از یکجایی که به اختلافات نزدیک شدند آرام‌آرام مجبور به انحلال شد این درحالی که ما در اروپا احزابی را داریم که بیش از صد سال عمر داشتند و متأسفانه حزب جمهوری اسلامی سال ۵۸ شکل گرفت و در سال ۶۲ منحل شد.

یکی از عمده‌ترین مشکلات احزاب مسائل مالی است؛ برای رفع این دغدغه سازمان‌هایی مثل خانه احزاب و دولت‌ها آیا کمکی به احزاب می‌کنند و دغدغه مالی یک حزب چه آسیب‌هایی را برای آن‌ها به دنبال خواهد داشت؟

خانه احزاب یک تشکیلات NGO و سازمان مردم‌نهاد است و کار دولتی نمی‌کند احزاب به دلیل مشکلاتی که دارند از جمله ناکارآمدی که در آن‌ها ملاحظه می‌شود موجب می‌گردد تا از کادر سازی غفلت کنند وقتی از کادر سازی غفلت می‌شود خودبه‌خود از عضوگیری نیز غفلت می‌شود و حزب باید منابع مالی را داشته باشد تا بتواند اهداف خود را پیگیری کند در خیلی از کشورها بر اساس درصد مقبولیت احزاب نزد مردم بودجه‌های به آن‌ها اختصاص

جواد منصوری:

تحرز باید واسطه بین حکومت و مردم باشد

روزنامه‌های خارجی می‌نویسند: این مرد در زیر درخت سیب در نوفل‌لوشاتو حرکتی را به وجود آورد که تمام ایران به آن پیوستند؛ بنابراین شورای سلطنت در ایران تشکیل می‌شود که نماینده آن، سید جلال تهرانی است و او به‌عنوان نماینده شورای سلطنت به پاریس می‌رود تا با حضرت امام دیدار داشته باشد و امام نمی‌پذیرد و می‌فرمایند ابتدا سلطنت را غیرقانونی کنید؛ اما کیانوری ملحد، که خدا و دین را مخلوق پندار آدمی می‌دانست و پیرو افکار مارکس و لنین بود و آن را ترویج می‌داد، به پاریس می‌رود و امام آن را می‌پذیرد. تا یک حرکت ضد سلطه و ضد استکباری که در ذهن این بزرگ‌مرد جریان داشت ماندگار شود. به همین جهت اولین کسانی که به این جریان پیوستند، مذهبیان بودند؛ زیرا کسانی که در حاکمیت محمدرضا شاه ضربه دیدند و شاهد شهادت نواب صفوی و تیرباران دوستانشان بودند از جمله مهدی عراقی، خانواده امانی کسانی بودند که به حضرت امام ملحق شدند و هیئت‌های تهران را به حرکت واداشتند اگر به ریشه‌های این حرکت‌های سیستماتیک دقت کنیم متوجه می‌شویم ابتدا و شروع این فعالیت‌ها در حزب مؤتلفه اسلامی بوده است. لذا آگاهی امام در اینکه هیئت‌های تهران را وادار به همکاری کنند بسیار مهم است. زیرا همین‌ها هستند که راهپیمایی‌ها را شکل داده و علیه شاه و حکومت سلطنتی شعار دادند. زمانی که به این مسائل می‌رسیم به درک سیاسی و آگاهی امام و به ریشه و آغاز مؤتلفه پی می‌بریم. پس از دستور حضرت امام حزب شکل گرفت و دو نفر را به‌عنوان هدایت‌گر افراد تعیین کرد؛ آیت‌الله مطهری برای برنامه‌تئوری و آیت‌الله بهشتی را برای برنامه‌ریزی‌ها در نظر گرفتند که در پی این فعالیت‌ها حکومت پهلوی هر دو بزرگوار را برای تنها گذاشتن حضرت امام شهید کردند.

در نتیجه ریشه هیئت‌های مؤتلفه در هیئت‌های مذهبی خفته است و این هیئت‌های خفته هستند که در جریان‌های مختلف؛ تنباکو، مشروطیت و انقلاب اسلامی پیروزی را رقم زدند و ایران ضد استکباری را چنان حرکت دادند که همچنان راهنمایی‌های مرجعیت در آن‌ها اثر داشته است.

احزاب در ابتدای انقلاب چه کار کردی داشتند و چرا دچار تحول شدند؟

تفکری که در ابتدا انقلاب وجود داشت با این رویکرد بود که کشور باید حزبی شود، اما اگر ما آن سیاست و روشی که در جهان غرب است در هیئت‌های مؤتلفه پیاده می‌کردیم که فقط احزابی را تشکیل دهیم تا این احزاب فعال باشند موفق نمی‌شدیم. از دلایلی بود که احزاب پیشرفتی نکردند. و به این خاطر حضرت امام فرمودند: فتیله را پایین بکشید زیرا مردمی بودن بهتر از حزبی بودن است، هیئت‌های مذهبی مردمی هستند، هیئت‌های مذهبی همان حوزه‌های حزبی هستند که خود مردم خرج آن‌ها را تهیه می‌کنند. و خود مردم کار می‌کنند اگر ما در این هیئت‌های مذهبی آگاهی کافی را می‌دادیم خیلی بهتر و مؤثرتر پیش می‌رفتیم، در حال حاضر هم هیئت‌ها و حوزه‌ها را مردم اداره می‌کنند. به همین جهت ادای غرب را در آوردن و مانند غرب حزبی بودن موفقیتی نخواهد داشت.

با توجه به فضای سیاسی کشور در حال حاضر بعد از گذشت چهار دهه از انقلاب اسلامی تحرز چه جایگاهی در نظام اسلامی دارد؟

تحرز در کشور هنوز به‌طور مستقل و آن‌گونه که باید جایگاهی ندارد، زیرا توده‌های مردم هنوز به هیئت‌های مردمی مراجعه می‌کنند و در مواقعی یک شخصیتی مانند سردار حاج قاسم سلیمانی شهید می‌شود، مساجد و هیئت‌های مردمی هستند که به میدان می‌آیند و این نشان می‌دهد که هنوز تمرکز و پایگاه حاکمیت بر روی هیئت‌های مردمی است و احزاب نقش چندانی در این فعالیت‌ها ندارند درواقع تحرز باید واسطه بین حکومت و مردم باشد یعنی خواسته‌های مردم را به حکومت برساند و پاسخ‌های حکومت را به مردم. واکنش‌ها را بسنجد که در این صورت می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

نظر شما در خصوص حزب مؤتلفه اسلامی چیست؟

احزاب به‌ویژه حزب مؤتلفه اسلامی مسئولیت‌ها و رسالت‌های خوبی را در زمان انقلاب انجام دادند. مهم‌ترین حزبی که قبل از انقلاب شکل گرفت حزب توده بوده که آن‌هم موفق نبود. و حزب ایران که دبیر آن آقای کریم سنجابی بود. همه این احزاب موسمی بودند و از بین رفتند اما در نهایت هیئت‌های مذهبی و مردمی مانند مؤتلفه اسلامی ماندگار شدند.

جزو بنیانگذاران سپاه و اولین فرمانده این تشکل نظامی است؛ سابقه فعالیت حزبی او را از پیش از انقلاب تاکنون به یک شخصیت شاخص سیاسی و علمی تبدیل کرده است؛ دکتر جواد منصوری در گفتگوی تفضیلی با خبرنگار شما؛ به کنکاشی جدی در سیر تحرز و نقش هیئت‌های مذهبی و به ویژه مؤتلفه اسلامی می‌پردازد:

با توجه به فضای سیاسی کشور جایگاه تحرز و تشکل در کشور چگونه جایگاهی است؟

در کشور ما احزاب و حزب به‌طور کلی نتوانسته جایگاه عمومی پیدا بکند، علت آن نیز مشخص است همان‌طور که آگاه هستید قبل و بعد از انقلاب هیئت‌های مذهبی جریان ساز بودند که از جمله آن‌ها می‌توان به نهضت تنباکو و فعالیت هیئت‌های مذهبی و ایجاد مشروطیت اشاره کرد.

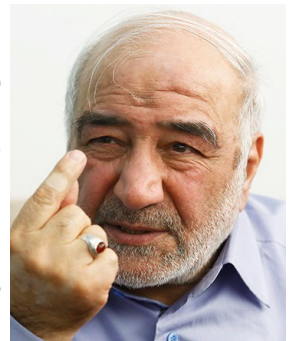
اما بعد از شهریور ۱۳۲۰ برای منزوی کردن مذهب، نوعی ناسیونالیسمی که بعد از جنگ جهانی در تمام کشورهای اسلامی به‌طور خودجوش به وجود آمده، ملی‌گرایی را پیش کشیدند تا به‌وسیله ناسیونالیسم حرکت‌های دینی را در هم بکوبند و افرادی همچون پی‌روش، کسروی، حسنی، حکیمی زاده و حتی پیدایش وهابیت و مذاهب جدید تلاش کردند تا تشیع را درهم بکوبند، و مهم‌تر از آن به نام ناسیونالیست اسلام را درهم بکوبند.

افراد دیگری همچون آتاتورک، سردار داوود خان و عبدالناصر که از چهره‌های معروف ناسیونالیست بودند، تنها اسلام و دین توانست در مقابلشان بایستد تشیع را زنده نگه دارد. هدف اسلام و تشیع جز

استقلال ملت‌ها نیست؛ چرا که انقلاب اسلامی به وجود آمده و امام (ره) جمله معروف نه شرقی نه غربی را مطرح کردند و فرمودند «سلام از ملی‌گرایی سبیلی خورده است.» لازم به ذکر است بعد از جنگ جهانی دوم نیز تنها گروهی که در کل کشورهای اسلامی حرکت و جریان‌های مؤثری را به وجود آوردند مذهبیان بودند، که از جمله آن‌ها می‌توان اخوان المسلمین، مسلمانان مجاهد ترکیه، افغانستان و.. که ملی‌گرایی و ناسیونالیسم در برابر این‌ها ایستاده است را نام برد؛ درواقع می‌توان گفت ناسیونالیست سوغاتی بود که غربی‌ها بعد از جنگ جهانی اول به ارمان آن‌ها آوردند و درست زمانی که رضاخان تنها با دیکتاتوری ملت را سرکوب می‌کرد و نه تحصیلات عالی و نه درکی از سیاست خارجی داشت، تا زمانی که مطیع غرب بود از آن حمایت می‌شد و به‌محض سرپیچی، فرزندش محمدرضا شاه را جایگزین آن کردند، با تحلیل این شرایط به‌خوبی مشخص می‌شود احزاب چگونه و در چه شرایطی ایجاد شدند و رشد کردند.

از مهترین فعالیت‌های جریان و تشکیلات مذهبی برایمان بگویید

پس از پانزدهم خرداد که شخصیت امام (ره) آشکار شد، ایشان معتقد بودند باید با برنامه و سیستم کار کرد؛ لذا دستور تشکیل ائتلاف هیئت‌های تهران را دادند. که درواقع واژه مؤتلفه از این زمان شکل گرفت و پس از آن هیئت‌های فعال و مؤثر در تهران باهم ائتلاف و مشارکت کردند تا نیرویی در برابر حاکمیت باشد که همه چیز را از بین می‌برد؛ بنابراین اگر این هیئت‌های مؤتلفه وجود نداشتند، اعلامیه و نوارهای سخنرانی امام (ره) هرگز به دست افراد انقلابی و ولایی نمی‌رسید. لذا دشمن هم که متوجه این موضوع شده بود زمانی که حضرت امام (ره) در عراق تبعید بودند پیشنهاد می‌دهند برای ماندن در عراق دیگر نباید اعلامیه‌های خود را منتشر کنید که امام این را نمی‌پذیرد به همین جهت از عراق به پاریس تبعید می‌شوند؛ زیرا حضرت امام (ره) به‌واسطه هیئت‌ها تشکل یکپارچه و مقاومی را به وجود آورد که می‌توانستند جامعه را با برنامه‌ها و جریان‌های انقلابی به حرکت وادارند. همچنین ایشان فرمودند: «ما نمی‌دانستیم اگر به پاریس برویم چه می‌شود.» درحالی که بعد از شهریور ۱۳۲۰ تمام نیروهایی که مخالف حاکمیت دیکتاتور بودند و در کشورهای مختلف جهان حضور داشتند بعد از تبعید حضرت امام (ره) به پاریس شرایط به‌طوری عوض می‌شود که



احزاب نباید به دنبال قدرت طلبی در برابر نظام باشند



مجتبی شاکری؛ دبیر کل جبهه جانبازان انقلاب اسلامی، با نیم‌نگاهی به تحزب در ایران و نظام اسلامی در گفتگویی صمیمانه به آسیب‌شناسی احزاب و لزوم حرکت آن‌ها در مسیر آرمان‌های انقلاب اسلامی پرداخت که مشروح آن را می‌خوانیم:

لطفاً با نگاهی به احزاب در تاریخ معاصر ایران تحلیلی از فعالیت حزب

در پنجاه سال گذشته بیان کنید؟

تحزب در ایران فراز و فرودی داشته، قبل از پیروزی انقلاب نوعی تحزب را گروه‌هایی با توجه به ارتباطاتی که با غرب و شرق داشتند، تجربه کرده‌اند اما با توجه به عملکرد آن‌ها مورد استقبال مردم قرار نگرفت، بخشی از این‌ها تشکلاتی از احزاب مارکسیستی بود که به اشکال مختلف توده، چریک فدایی و مائوئیست‌ها فعالیت می‌کردند و با تفکر دینی همراه و همسو نبودند، برخی نیز از احزاب نیز جنس غربی بودند که شامل جریان‌های روشنفکری و ملی‌گرا و لیبرال بودند که نهضت آزادی هم از جمله آن‌ها بود؛ گروهی دیگر سازمان مجاهدین خلق بودند که بعدها مارکسیست شده و درون خود دچار جنگ و اختلاف شدند. بنابراین سابقه خوبی از حزب‌های شرقی و غربی در کشور نداشته‌ایم.

از احزابی که با هدف دیانت فعالیت کردند می‌توان از تشکلات نواب صفوی و مؤتلفه اسلامی نام برد که در ابتدا از طریق هیئت‌های مذهبی منسجم شدند اما در خرداد ۱۳۴۲ رسماً فعال شدند. شاید بتوان گفت اوج تحزب بعد انقلاب با قانون اساسی ایجاد شد؛ در قانون اساسی و مباحث مفصلی که در خبرگان مطرح شد و نقطه نظرانی که حضرت امام درباره تحزب داشتند می‌توان اوج نگاه حزبی را ملاحظه کرد.

تشکیل شورای هماهنگی نیروهای انقلاب، هنر حزب مؤتلفه بوده که در قالب این حزب توانست طیف را مدیریت بکند. کار که به دست احمدی‌نژاد افتاد، ایشان هم یک حزب دولتی تشکیل داد. این خطای راهبردی باعث شد بعداً جبهه مردمی نیروهای تقریباً تمام بزرگان انقلاب تشکیل بشود و بعد از آن شورای ائتلاف نیروهای انقلاب جدید تشکیل شد. در صورتی که می‌توانست با درایتی که حزب مؤتلفه داشت کل جریان را با خود همراه کند

آموزش‌های فراگیر داشت و برای انتخابات فهرست‌های مشترک با سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی می‌داد که یکی از کارهای بزرگ آن زمان ارائه فهرست نمایندگان مجلس بود که فهرست موفق هم بود در مقابل فهرست‌هایی که مجاهدین خلق و یا چریک‌های فدایی به دنبال آن بودند. فهرست مشترک حزب جمهوری اسلامی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی آن قدر فراگیر شد که توانست کرسی‌های مجلس را از آن خود کند اما بعد از شکل‌گیری ارکان و سازمان‌های انقلاب و ورود افراد حزبی به این حوزه‌ها وظایف احزاب و به‌ویژه حزب جمهوری کم‌رنگ شد و نقش آن‌ها تبدیل شد به اینکه بار روی زمین‌مانده انقلاب را حمل کنند و به نتیجه برسانند.

با نگاه به فراز و فرودهایی که به آن اشاره کردید؛ اکنون احزاب نیازمند توجه به چه مواردی هستند؟

شهید بهشتی و مقام معظم رهبری مباحث بسیار مفید در خصوص قدرت و تکلیف ارائه کرده‌اند در حال حاضر همه احزابی که در پناه قانون اساسی هستند باید به این بحث بپردازند؛ زیرا با توجه به اینکه احزاب دینی هستند و زیر چتر کلام وحی و سنت نبوی و مولای متقیان فعالیت می‌کنند؛ باید به دنبال تحقق آرمان‌ها و تکلیفی که ولی فقیه فرموده‌اند

باشند و حتی اگر آسیبی بر حزب وارد می‌شود بپذیرند به‌طور مثال در دوره اوایل انقلاب امام تکلیفی بر دوش احزاب و اشخاص گذاشتند و به‌واسطه حضور افراد در دولتی مثل دولت شهید بهشتی؛ دولت تقویت و سازمان مجاهدین انقلاب تضعیف شد؛ بنابراین اساس تحزب در اندیشه ما تکلیف مداری و آرمان‌خواهی است درحالی‌که اساس تحزب در اندیشه غرب و شرق قدرت‌طلبی است. یکی از مشکلات مهم احزاب دوم خرداد همین است که احزاب قدرت‌طلب هستند. یعنی تذکراتی که حضرت امام و مقام معظم رهبری به آن تأکید می‌کنند را کنار گذاشته و حتی موانعی ایجاد می‌کنند که به سرانجام نرسد و ضد آرمان فعالیت می‌کنند. لذا تحزب یک امر درستی است که حضرت امام هم به آن اعتقاد داشتند که قله آن انقلاب اسلامی است و قانون اساسی این حق را ایجاد کرده و زمان‌شناسی و پویایی احزاب این است که به دنبال قدرت‌طلبی در برابر نظام نباشند بلکه به دنبال خدمت به نظام باشند.

نظر شما راجع به احزاب دولت ساخته چیست؟

احزاب دولت ساخته برای تداوم عمر دولت‌ها ایجاد می‌شوند و مردم در این مهم سودی نمی‌بینند در همه احزابی که در دولت انقلابی و در دولت لیبرال و حتی در دولت‌هایی که بعد با عنوان اعتدال آمدند شکل گرفتند ماندگار نیستند و با رفتن آن دولت از بین می‌روند و چون وابسته به مردم نیستند رأیشان هم از دست می‌رود؛ زیرا به دنبال مواسات با کسانی هستند که در رأس قدرت هستند و حزبی که اقبالی نداشته باشد تنها تبدیل به محفلی برای حرف‌های روشنفکری می‌شود. برخی احزاب از جمله اصلاح‌طلبان و مشارکتی‌ها که نوع شدید مجاهدین انقلاب بودند و تغییر موضع دادند احزابی هستند که به دنبال راضی کردن غربی‌ها هستند و در مسائلی مانند برجام، منطقه و جبهه مقاومت قصد راضی کردن غرب را دارند و در قضیه یمن حاضر به سازشکاریند. این درواقع بدترین نوع تشکلاتی است که در بین مردم اقبال ندارند و می‌خواهند با راضی کردن استکبار و دشمن غربی خودشان را سرپا نگهدارند. احزاب دولت ساخته ریشه، پایه و رأی مردم را ندارند بنابراین بعدها تبدیل به گروه و محفلی می‌شوند که تنها یک سایت خبری را دارند.

بنابراین این احزاب هستند که به دولت‌ها نیاز دارند و یا دولت‌ها به‌نوعی نیازمند حزب هستند؟

ما به تحزب نیازمندیم و آن را در قانون اساسی گنجانده‌ایم؛ اما اینکه آیا احزاب هم به دولت‌ها و نظام نیاز دارند باید گفت نظام مانند آب برای زندگی احزاب است و اگر بخواهند زنده در مباحث فرهنگی اقتصادی و سیاسی ادامه حیات دهند باید نظامی وجود داشته باشد. زیرا یک حزب تولید فکر و اندیشه و مدل عملیاتی می‌کند اما خود حزب نیرویی برای اجرای آن ندارد و باید این مدل‌ها را به‌نظام ارائه کند احزاب بدون وجود دولت و نظام و مجلس و قوه قضاییه نمی‌توانند کاری را انجام بدهند، مبتلا و نیازمند به هم هستند ولی هر کدام در سطوح مختلف. اما در حال حاضر شبه احزابی مانند تشکلاتی دانشجویی، صنفی و... نیز وجود دارد که آن‌ها نوعی کار حزبی انجام می‌دهند، اما رسمیتی مانند حزب ندارند ولی شیوه و روش آن‌ها نیز به همان گونه است.

و نظر شما در خصوص حزب مؤتلفه اسلامی به‌عنوان یک حزب با سابقه در جریان انقلاب چیست؟

در درجه اول باید تلاش‌های هر فرد یا جریانی که قبل و بعد از انقلاب زحماتی کشیده‌اند را پاس داشت؛ حزب مؤتلفه اسلامی پیش از انقلاب فعالیت‌های مؤثری داشت اما بعد از آن باید فعالیت خود در زمینه چرخش نخبگان را گسترش می‌داد. در برخی از مقاطع مؤتلفه اسلامی خوب ظاهر شد اما در برخی مقاطع همان شیوه‌های گذشته و شاید ناکارآمد را ادامه داد. تشکیل شورای هماهنگی نیروهای انقلاب، هنر حزب مؤتلفه بوده که در قالب این حزب توانست طیف را مدیریت بکند.

کار که به دست احمدی‌نژاد افتاد، ایشان هم یک حزب دولتی تشکیل داد. این خطای راهبردی باعث شد بعداً جبهه مردمی نیروهای انقلاب تشکیل بشود و بعد از آن شورای ائتلاف نیروهای انقلاب جدید تشکیل شد. در صورتی که می‌توانست با درایتی که حزب مؤتلفه داشت کل جریان را با خود همراه کند.

دبیر کل حزب جمهوری ایران اسلامی:

حزب نباید به ضد خود تبدیل شود

احزاب دست ساخته دولت ها خاصیتی جز حمایت از دولت ندارند

مثبت است این احزاب چه آسیب هایی می تواند به ساختار نظام حزبی کشور وارد کند؟

یکی از شرایط موفقیت احزاب و نقش آفرینی صحیح آن ها در صحنه اجتماع و سیاست استقلال آن ها است؛ یعنی احزاب ضمن اینکه در نظام جمهوری اسلامی قرار گرفتند و مصالح جمهوری اسلامی و مردم را در نظر گرفتند احزاب باید کاملاً مستقل باشند اگر احزاب وابسته به حکومت و یا دولت باشند خاصیت خود را از دست می دهند و قادر نیستند نقش لازم را ایفا کنند؛ زیرا وقتی ساخته و وابسته حکومت هستند باید همیشه در خدمت باشند و به خود اجازه انتقاد و اعتراض نخواهند داد؛ زیرا یکی از رسالت های احزاب نظارت بر اربابان قدرت و نظام است و نقد و پیشنهاد و گاهی نیز اعتراض است. اگر وابسته به آن ها باشند این نقش از آن ها سلب می شود و توفیق پیدا نمی کنند لذا ظاهراً وقتی در دولت اصلاحات دولت تصمیم گرفت یارانه ای به احزاب بدهند برای برخی این شبهه پیش آمده بود که اگر یارانه ای به احزاب اختصاص پیدا کند احزاب خاصیت خود را از دست خواهند داد و وابسته به دولت می شوند و در پاسخ گفته شد این اشکال وارد نیست و احزاب می توانند از یارانه ای که از

بیت المال در نظر گرفته شده کمی برای امور خود استفاده کنند و تا حد ممکن به ایفای نقش خود برای اصلاح امور و نظام فعالیت کنند. باید گفت دولتی که چهار تا هشت

اگر از من پرسیده شود بین اصولگرایان

کدام حزب به معنای واقعی اصولگراست و

پای مبانی و اصول خود ایستاده من قطعاً

خواهم گفت حزب مؤتلفه اسلامی است که

پای اعتقادات خود هستند و اصحاب باد

نیستند و تلون ندارند

سال روی کار است و بعد کنار می رود و دولت دیگری روی کار می آید که نوعاً سال های آغازین آن با سال های پایانی متفاوت است و دولت هایی که در گذر هستند و ثبات و استقرار ندارند قادر به داشتن و حفظ حزب نیستند همچنین در کشور ما متأسفانه دولت ها و مجلس در مسیر منافع ملی به سختی حرکت می کنند و به فکر تثبیت خود و ارائه کارآمدی هستند اگر احزاب وابسته به این دولت ها باشند خاصیت خود را از دست خواهند داد و به ویژه اینکه اگر دولت ها آن احزاب را روی کار آورده باشند این استقلال بیشتر سلب می شود؛ زیرا ممکن است دولتی برای کسب بدنه اجتماعی و پشتوانه تشکیلاتی اقدام به تأسیس حزب کند این احزاب دست ساخته دولت ها خاصیتی جز حمایت از دولت ندارند و آن ها ناچارند در مقابل عملکرد دولت تنها حمایتگر باشند بنابراین حزب به مفهوم ضد خود تبدیل می شود؛ یعنی حزب می خواهد با امر به معروف و نهی از منکر مقابل انحرافات بایستد اما متأسفانه تبدیل به ابزاری برای تأیید دولت ها شود.

به عنوان سؤال پایانی نظر تان در خصوص حزب مؤتلفه اسلامی چیست؟

هر کدام از احزاب ویژگی خاص خود را دارند، مؤتلفه اسلامی از جمله احزاب ریشه دار و با سابقه ممتد است و علاوه بر این شخصیت هایی که در این حزب فعالیت داشتند شخصیت های انقلابی هستند که امام را قبول دارند و خدمات بسیاری کردند و پای اصول ایستادند اگر از من پرسیده شود بین اصولگرایان کدام حزب به معنای واقعی اصولگراست و پای مبانی و اصول خود ایستاده من قطعاً خواهم گفت یکی از احزاب، مؤتلفه اسلامی است که پای اعتقادات خود هستند و اصحاب باد نیستند و تلون ندارند؛ بنابراین این حزب جزو سرمایه های اجتماعی کشور ماست و ای کاش بقیه احزاب اعم از اصلاح طلب و اصولگرا نیز مبانی فکری و اصولی را پیدا می کردند و بر اساس این مبانی کار و تلاش می کردند. مداخلات و نظرات مؤتلفه تاکنون خوب بوده و دوستان ما در این حزب ریشه دار و اصیل هستند

حجت الاسلام رسول منتجب نیا این روزها به عنوان دبیر کل حزب جمهوری ایران اسلامی در مجامع سیاسی شناخته شده است او که سابقه فعالیت حزبی در نظام اسلامی را دارد در گفتگویی تفضیلی با خبرنگار حزب مؤتلفه اسلامی به مقوله حزب در جمهوری اسلامی ایران می پردازد که آن را می خوانیم:

تحت حزب در قانون اساسی چه جایگاه دارد؟

در جمهوری اسلامی از نظر ساختار و محتوا و ماهیت حزب و تحزب دارای جایگاه محکم و مستحکمی است، قانون اساسی به بیان کلیات می پردازد اما در اصل ۲۶ قانون اساسی خبرگان این قانون به مسئله احزاب و گروه های سیاسی پرداخته و آن را به رسمیت شناختند و دولت و مجلس را موظف به تصویب قوانین مربوطه نمودند در آن زمان ما در مجلس اول و دوم بودیم که قانون احزاب تصویب شد و تا حدی برای آن شرایط قانون خوبی بود و سپس در دولت نیز آیین نامه احزاب به تصویب رسید و تمام زیربنای حزب و تحزب در همان اوایل پیروزی انقلاب مصوب شد بنابراین از نظر ساختار و قانون جایگاه احزاب روشن و مشخص است. این قانون در دوره نهم و دهم مجلس اصلاح شد و اگر ایرادی بر آن وارد است بحث دیگری است. به نظر شما آیا تحزب با دو مقوله قانون اساسی و ولایت فقیه ممکن است در تضاد باشد؟

برخی ممکن است تصور کنند حزب و تحزب با نظام ولایی مغایرت دارد و چون جمهوری اسلامی بر اساس اسلامیت و دیدگاه ولایی حضرت امام پایه ریزی شده است نیاز به احزاب وجود ندارد و یا حتی بعضی آن را مغایر با نظام ولایی می دانند در حالی که این تصور نادرست است، در نظام ولایی و نظام جمهوری اسلامی باید ابزار و وسایلی برای تحقق جمهوری وجود داشته باشد و شرایط جمهوری به این واسطه فراهم شود؛ دولت و حکومت نمی تواند به تمام معنا ضامن جمهوری و اسلامیت باشد همان گونه که در اسلامیت نظام نیازمند شورای نگهبان، علما و مراجع هستیم تا اطمینان داشته باشیم در نظام خلل و انحرافی ایجاد نمی شود در جمهوری نیز نیازمند نهادهای مدنی و ارگان های غیر حکومتی هستیم تا مردم را برای حضور و نقش آفرینی در صحنه آماده کنند تا حکومت بتواند از وجود مردم و دیدگاه ها و نظرات آن ها بهره ببرد و همان طور که در بخش فرهنگی، اقتصادی مؤسسات غیرسیاسی فعال هستند در زمینه مسائل سیاسی تنها احزاب می توانند مردم را آموزش دهند و سازمان دهی و کادر سازی نمایند و حتی در درون حزب برای مدیریت بهینه کشور برنامه ریزی کنند و آن را به اربابان قدرت و مسئولین ارائه کنند تا هم جمهوری را بگیرد و هم برنامه های نظام جمهوری اسلامی به بهترین وجه پیش برود؛ بنابراین به نظر من وجود نهادهای مدنی سیاسی مثل احزاب و تشکلهای سیاسی ضرورت و نیاز مبرم برای نظام است و کسی نباید تصور کند

این امر با نظام ولایی مغایرت دارد و وقتی در قانون اساسی ولایت فقیه در رأس امور قرار دارد دستور ایشان برای همه لازم الاجرا و مطاع است اما ولی فقیه در همه شئون مداخله نمی کند و در مواردی که مرتبط با اختیارات است این وظیفه را انجام داده و می دهد اما بقیه کارها بر عهده نهادهاست و این نهادها یا نهادهای حکومتی و یا نهادهای مدنی هستند و احزاب در زمره نهادهای مدنی قرار می گیرند.

آیا شما به لحاظ ماهوی با پدیده ای به

نام احزاب دولت ساخته موافق هستید؟

اگر پاسختان



جبهه را به رسمیت نمی‌شناسم

مهم‌ترین عامل اضمحلال احزاب از درون چیست؟ چون شما طی یک مصاحبه‌ای گفته بودید حزب کارگزاران دچار اضمحلال تشکیلاتی شده این اظهارنظر شما تشکیلاتی به چه علت بوده و این که یک حزب چطور دچار اضمحلال می‌شود؟

نوعاً احزاب دچار فقدان کارآمدی هستند و این فقدان کارآمدی خودبه‌خود آثار منفی روی مناسبات داخلی بین احزاب می‌گذارد. از این جهت اگر چنانچه بخواهیم یک حزب را فعال نگه بداریم و دچار اضمحلال نشود باید نقش‌پذیری احزاب را در طول مدتی که در قدرت هستند احساس کنیم و یا زمانی که خارج از قدرت هستند بتوانند به‌صورت دولت در سایه ایفای نقش بکنند که در هر دو زمینه ما دچار مشکل هستیم.

موضوعی که در حزب داری و حفظ حزب مطرح است مسئله کادر سازی است احزاب تا چه حد در زمینه کادر سازی توفیق داشتند اعم از احزاب اصلاح‌طلب و اصول‌گرا؟

من می‌توانم روی دو حزب تأکید کنم که بر روی کادر سازی نه به معنای تمام و کمال بلکه در حد متوسط توانستند گام‌هایی را بردارند. یکی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی است که متأسفانه بنا بر یک اقدام قضایی مدت‌ها است که تعلیق شده و یکی هم یک حزب تاریخی تحت عنوان حزب موفته است. من به‌غیر از این دو جریان بیشتر ندیدم که کار تشکیلاتی بکنند که منجر به ساخت نیروی‌های کارآمد و عناصر حرفه‌ای شود.

یکی از مسائلی که در انتخابات مطرح می‌شود تجمع احزاب در کنار هم و شکل‌گیری جبهه‌هاست این جبهه‌ها که گاهی جبهه‌های موسمی هستند چه کاربردی دارند و اصولاً مؤثر واقع می‌شوند و چرا بعد از انتخابات و یا حین انتخابات این جبهه‌ها هم به اختلاف برمی‌خورند؟

من کلاً پدیده‌هایی تحت عنوان جبهه را به رسمیت نمی‌شناسم علت آن هم این هست که احزابی که به‌صورت منطقی شکل نمی‌گیرند و یک گسترده‌ی بی‌رویه پیدا می‌کنند چون در پیش برد گفتمان سیاسی خودشان ناتوان‌اند، با دوستان هم‌فکر ائتلاف می‌کنند. وقتی که بنا هست ائتلاف انتخاباتی رخ بدهد از قبیلش می‌شود در کسوت یک حزب تمام‌عیار کار مشترک سیاسی انجام داد. از این رو وقتی دچار این عارضه هستید و هنگامی هم که جبهه تشکیل می‌شود جبهه‌ها هم معمولاً کارکردشان دچار بن‌بست می‌شود و ناتوان خواهند بود از این جهت این امر جزو ایرادات کار سیاسی است. معمولاً معنا ندارد که ما بخواهیم جبهه تشکیل بدهیم، اگر یک حزب به معنای واقعی کلمه متناسب با ضرورت‌های زمان شکل بگیرد نیاز ندارد با گروه دیگری ائتلاف کند و خودش می‌تواند گفتمان و تشکیلات خودش را پیش ببرد.

با توجه به نگاه شما به جبهه‌ها؛ مشکلی که معمولاً گریبان گیر آن می‌شود سهم خواهی پسانتخابات است؛ این سهم خواهی چه آسیبی به احزاب می‌زند؟

وقتی که احزاب به معنای واقعی شکل نمی‌گیرند و به‌صورت جبهه‌های باهم توافق می‌کنند نوعاً جهت‌گیری توافقی‌شان به‌خاطر تأمین همین منافع و سهم خواهی است. کل سیاست سهم خواهی احزاب در درون جبهه‌ها یک حرکت باطل و غلط هست و مجموعه فعالیت سیاسی آن گروه را مخدوش خواهد کرد. **شما به عنوان یک فرد تشکیلاتی، در خصوص تشکیلات موفته اسلامی چه نظری دارید؟**

موفته با توجه به سابقه دیرینه‌ای که در کار تشکیلاتی دارد جزو احزاب ریشه‌دار است و من موفته را جزو احزابی به حساب می‌آورم که پایمردی و در ارتباطات اعضای فی‌مابین خود و بین نیروهای مسن‌تر و احزاب کشور قرار دارد خوب کشور می‌دانم و بنده همواره بود و هست.

محمد عطریانفر عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی است؛ حزبی که سال‌های طولانی در امور اجرایی کشور حضور داشت؛ عطریانفر در گفتگویی صمیمانه در کنار نگاه به مسئله حزب در ایران؛ به نقش احزاب بزرگ می‌پردازد که در ادامه آن را می‌خوانیم:

با نگاهی به فضای سیاسی کشور امروز بعد از گذشت ۴۰ سال حزب‌ها و تشکلهای چه جایگاهی در اداره امور جمهوری اسلامی دارند؟

علیرغم این که در قانون اساسی به موضع احزاب اشاره شده است و همچنین در مجلس شورای اسلامی قانونی تحت عنوان قانون احزاب داریم ولی نقش احزاب در مناسبات قدرت و جابه‌جایی قدرت سیاسی فاقد کارکرد لازم است. علت آن هم به این برمی‌گردد که موضوع فعالیت سیاسی احزاب، مشارکت انتخاباتی از موضع حزب است که از این طریق بتوانند قدرت را جابه‌جا کنند اما در مدل برگزاری انتخابات جمهوری اسلامی انتخابات فارغ از احزاب شکل می‌گیرد به معنای دقیق‌تر کلمه نظام حزبی که وجه مکمل انتخابات در نظام مردم‌سالار ایران است، این عضو مکمل حضور ندارد و بی‌معنا هست. اگر بخواهیم به موضوع احزاب به‌طور جدی رسیدگی بکنیم اول نظام سیاسی باید برخی از قوانین را اصلاح بکند و رقابت‌های انتخاباتی رو از حالت فرد محور به حزب محور تبدیل کند. با چنین رویکردی آینده احزاب در ایران انشاء الله بهتر خواهد شد.

آیا سیستم جمهوری اسلامی پذیرش این مهم را دارد که احزاب در رأس قدرت قرار بگیرند؟

در شرایط موجود فعلی متأسفانه من این استعداد را در نظام جمهوری اسلامی نمی‌بینم و به دلیل بی‌توجهی به این امر نوعاً نیروهایی که بر سر کار می‌آیند کسانی هستند که از یک پیشینه قابل دفاع به معنای واقعی کلمه برخوردار نیستند که آیا عملکردشان در گذشته به‌گونه‌ای بوده است که بتوانند مسئولیت‌های جدید را عهده‌دار شوند و معمولاً وقتی این افراد به قدرت می‌رسند به‌صورت آزمون و خطا مدیریت می‌کنند و آسیب این روش‌های آزمون و خطایی دودش در چشم مردم می‌رود.

برخی از افراد پس از انتخاب شدن دچار نسیان سیاسی می‌شوند و حزب یا گروهی که رأی آوریشان موهون تلاش‌های آنان است را فراموش می‌کنند؛ این موضوع ناشی از چیست و احزاب برای این که جایگاه خودشان را پس از انتخابات حفظ کنند باید چه کنند؟

در واقع ریشه این مسئله به همان موضوعی برمی‌گردد که اشاره کردم. افرادی که می‌آیند در رقابت‌ها شرکت می‌کنند معمولاً از برخی حمایت‌های حزبی برخوردار هستند و این حمایت‌های حزبی ناشی از یک مناسبات اخلاقی هست.

وقتی افراد خارج از منظومه نظام حزبی در یک انتخاباتی پیروز می‌شوند حمایت‌های حزبی آن‌ها بیشتر یک نسبت اخلاقی با آن‌ها ایجاد می‌کند و نسبت دقیق و حقوقی بین فرد منتخب و حزب برقرار نمی‌شود. به این معنا که حزب به‌عنوان پشتیبان برای آن فرد عمل می‌کند و هم در مقام حساب کشی، کنترل، معرفی نیرو و برنامه‌ریزی و بیشتر در یک قاعده صمیمیت دوست و رفاقت کار انجام می‌شود. از این جهت هر فردی که به یک منصبی می‌رسد تا جایی که مطابق باسلیقه فردیش باشد ممکن است از فردی در یک حزبی حرف‌شنوی داشته باشد و نوعاً در ایران افرادی که به قدرت می‌رسند از همان حزبی که مورد حمایتشان قرار داده فاصله می‌گیرند و این از معایب اقدامات غیر حزبی در انتخابات است.

موضوعی که بعد از انتخابات مطرح می‌شود احزاب دولت ساخته هستند، ما می‌بینیم که افراد بعد از این که انتخابات می‌شوند خودشان اقدام به تشکیل حزب می‌کنند، احزاب دولت ساخته این می‌توانند مخاطراتی را برای نظام حزبی کشور در آینده ایجاد کنند؟ این یک شعاری بیشتر نیست چون که ما حزب دولت ساخته نداریم. این یک نسبت ناروایی هست که مطرح شده و اولین بار هم برای حزب کارگزاران مطرح شد که هیچ نسبتی ندارد، به این معنا که دولت بخواهد ورود کند. اساساً من این نسبت را قبول ندارم ولی ممکن هست که افرادی علاقه‌مند به دولت باشند یا در دولت کار کنند و بعد از پایان دولت یک کار مشترکی انجام دهند ولی کلاً مقوله‌ای به نام حزب دولت ساخته نداریم.

مؤسس حزب سبز ایران مطرح کرد:

ضرورت حضور احزاب در تحقق اراده سیاسی



انتخاب شود آن حزب باید پاسخگو باشد و عموماً برای فرار از پاسخگویی دست به چنین اظهاراتی می‌زنند قطعاً این امر به ضرر مشارکت سیاسی مردم خواهد بود.

عده‌ای از سیاسیون معتقدند نظام اسلامی در آینده نه‌چندان دور با چالش جمهوریت مواجه است و برای رهایی از این چالش باید به حزب‌گرایی روی بیاورد نظر شما در این باره چیست؟

مشکل ما این است که نظام سیاسی کشورمان برای احزاب تعریف چندانی در شکل‌گیری اراده سیاسی ندارد به عبارت بهتر نظام ما حزبی نیست نظام ما ریاستی است و در این ساختار با مشکلاتی مثل عدم پاسخگویی رئیس‌جمهور نسبت به اعمال و رفتارش پس از هشت سال مواجه هستیم کشور ما به‌صورت نظام پارلمانی نیز اداره نمی‌شود یعنی به این شکل نیست که نمایندگان انتخاب شوند و سپس دست به انتخاب رئیس‌جمهور بزنند و باید قانون اساسی نسبت به شکل‌گیری نظام پارلمانی که احزاب در آن نقش داشته باشند تغییراتی کند و خواهناخواه باید این روند قانونی طی شود.

یکی از چالش‌های احزاب کادر سازی است؛ حزب سبز برای فائق آمدن بر این چالش چه تدابیری اندیشیده است؟

حزب سبز از همان ابتدا حزبی نخبه‌گرا بوده و در این راستا شورای نخبگانی داشتیم و سعی کردیم در ائتلاف‌ها و فعالیت‌ها شرکت کنیم اما فعالیتی که در دولت آقایان روحانی و رئیسی انجام دادیم دولت در سایه تشکیل دادیم و معادل هر وزیری فردی با توانایی وزارت در نظر گرفتیم و با تشکیل کارگروه‌های مختلف به برنامه‌ریزی و دیده‌بانی و نظارت بر عملکرد دولت و همکاری با آن برای عبور از بحران‌ها پرداختیم و این فعالیتی است که می‌توان از طریق آن احزاب را تا حدودی فعال کرد و احزابی که در محوریت انتخابات قرار نمی‌گیرند بتوانند از این طریق نقش‌آفرین باشند.

با توجه به نخبه‌گرایی در حزب سبز؛ جریان گردش نخبگان در حزب چگونه اتفاق می‌افتد؟

مادر حزب سعی کردیم نمایندگانی در مجلس در ادوار مختلف داشته باشیم و فراکسیون‌هایی شکل دادیم و در حزب چرخش نخبگان را تلاش کردیم سامان‌دهی کنیم و کوشیدیم جوانان را وارد عرصه سیاسی کرده و از آن‌ها حمایت کنیم و تلاش کردیم اگر در دولت‌ها حضور داشته باشیم چرخش نخبگان را به‌گونه‌ای تنظیم کنیم که انحصارگرایی و قدرت‌طلبی در جریان حزبی احساس نشود و لذا در برخی انتخابات اعلام کرده‌ایم اگر نامزدی در حزب نداریم حاضریم بر مبنای شایسته‌سالاری فردی را انتخاب کنیم که در جناح مخالف ما باشد.

به‌عنوان آخرین سؤال نظر شما در خصوص حزب مؤتلفه اسلامی چیست؟

آشنایی من با مؤتلفه به‌پیش از انقلاب و فعالیت‌های سیاسی و دستگیری ساواک برمی‌گردد و مؤتلفه را به‌عنوان یکی از مجموعه‌های ریشه‌دار اسلامی می‌شناسم و عملاً جریان حزب را ادامه‌ای از فعالیت فدائیان اسلام و جریان‌های اسلامی می‌دانم و هیئت‌های مؤتلفه اسلامی را که بعدها تبدیل به حزب شد را حرکتی در مسیر انقلاب و تحقق اسلام می‌دانم و بارها در جلسات مختلف گفته‌ام پیش از آنکه یک فرد حزبی باشم یک فرد هیئتی هستم و سعی می‌کنیم هسته‌های مؤتلفه در کشور تقویت شود.

گفتگو درباره حزب و نظام حزبی در جمهوری اسلامی موضوعی بود که ما را به سراغ حسین کنعانی مقدم؛ مؤسس حزب سبز ایران برد و طی گپ و گفتی دوستانه نظرات او را پیرامون تحزب و چالش‌هایی نظیر کادر سازی و گردش نخبگان در حزب جویا شدیم:

لطفاً نگاهی گذرا به سیر حزب در نظام جمهوری اسلامی داشته باشید؟

با توجه به نص صریح قانون اساسی احزاب در ایران آزادی فعالیت دارند و می‌توانند در شکل‌گیری اراده سیاسی کشور نقش داشته باشند البته نظام جمهوری اسلامی ایران بر اساس نظام ریاستی است اما اگر بخواهیم بررسی اجمالی کنیم نظام ریاستی، پارلمانی یا حزبی در قانون اساسی وجود دارد و مجلس به‌عنوان رأس امور احزاب را به رسمیت شناخته است بنابراین در قانون اساسی احزاب می‌توانند در چارچوب قانون فعالیت نمایند اما با توجه به صبغه تاریخی حزب در ایران و به‌ویژه بعد از پیروزی انقلاب احزاب عمده‌تاً به چند دسته تقسیم می‌شود؛ آن احزاب یا فراگیر و مردمی هستند و مردم آن‌ها را به‌عنوان مرجع سیاسی قبول دارند و یا احزاب دولت ساخته‌ای هستند که پس از روی کار آمدن دولت‌ها در قالب یک یا چند حزب به فعالیت می‌پردازند و عمده‌تاً با دولت‌ها ظهور کرده و با آن‌ها سقوط می‌کنند، دسته دیگر احزاب تخصصی یا نخبگانی هستند که تنها از قشر خاص هستند و به دنبال حفظ منافع صنفی گروه هستند و چندان ظهور و بروز بیرون از حزب خود ندارند، بعضی احزاب نیز هستند که از آن‌ها می‌توان تحت عنوان احزاب محدود و در حد تابلو نام برد که توسط وزارت کشور مجوز برای آن‌ها صادر شده و آن‌ها نیز ظهور و بروز ندارند و احزاب باید در رابطه با شکل‌گیری اراده سیاسی در کشور جایگاه تعیین‌کننده‌ای پیدا کنند تا در ساختار هرم قدرت بر مشارکت سیاسی مردم تأثیر بگذارند.

نگاه عموم جامعه نسبت به حزب؛ نگاه مثبتی نیست این اندیشه چرا و چگونه در اذهان عمومی شکل گرفت؟

مردم ما خاطره خوشی از تحزب در ایران داشتند؛ زیرا برخی از احزاب مورد اعتماد مردم قرار گرفتند و به دلیل عملکرد نامناسب آن‌ها دیدگاه مردم دچار خلل شد همچنین هزینه فعالیت سیاسی در کشور بالاست و مردم احساس می‌کنند اگر وارد حزب یا گروهی شوند مورد مواخذه قرار خواهند گرفت و تمایل چندانی به حضور در احزاب ندارند مگر احزابی که ریشه‌های قدیمی دارند و در عمل ثابت کردند در حوزه فعالیت حزبی قدرتمند هستند و مردم به آن‌ها اعتماد می‌کنند.

در سال‌های اخیر شاهد پدیده تنزیه افراد پس از انتخاب از جریان حزبی که شخص توسط آن شناخته شده هستیم این مهم ناشی از چیست؟

قاعده صحیح مبتنی بر این است که احزاب بتوانند از طریق کادر سازی؛ موفق به تربیت نیرو برای ریاست جمهوری و عناوین دیگر شوند و یکی از کارهای مهم احزاب تشکیل دولت در سایه و کادر سازی است اما به دلیل اینکه این اتفاق نمی‌افتد افرادی که از نردبان احزاب بالا می‌روند نخستین حرفی که می‌زنند عدم وابستگی سیاسی به احزاب است و عملاً پاسخگویی که احزاب باید در مقابل مردم داشته باشند را کنار می‌گذارند زیرا رئیس‌جمهور باید پاسخگوی اعمال و رفتار خود باشد و اگر از سوی حزبی

دولت حزبی پاسخگو است

نشاط در احزاب منجر به پویایی سیاسی جامعه خواهد شد

بیان داشت: ما در این چهل سال گذشته از عمر انقلاب انتخابات های زیادی را برگزار کردیم. وی تاکید کرد: به طور قطع لازمه برگزاری انتخابات خوب احزاب هستند. در حال حاضر افراد در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس و شوراهای شرکت می کنند و اما کنترل جدی از سوی مردم در رابطه با برنامه این افراد وجود ندارد لذا اگر به جای افراد، احزاب پا به میدان بگذارند و با مردم روبرو شوند و مردم در دوره های ۴ ساله به احزاب رای بدهند می توانند بعد از گذشت چهار سال علت عدم اجرای برخی برنامه های وعده داده شده را مورد سوال قرار دهند و اگر از پاسخ این سوالات قانع نشدند به حزب دیگری بپیوندند اما در عین حال این اتفاق در کشور ما رخ نمی دهد و موضوعات باری به هر جهت است.



به دولت بیاوریم که توجه جدی و بیشتری به احزاب در کشور داشته باشد. این نماینده مجلس با بیان این که احزاب باید در حوزه های مختلف به ایفای نقش بپردازند، بیان داشت: احزاب باید به عنوان رابط بین حاکمیت و توده های مردمی بتوانند پیام شان را به درستی به حاکمیت منتقل کنند. کریمی فیروزجایی در ادامه و در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه تحزب گرایی چه نقشی در تقویت گام دوم انقلاب دارد، بیان داشت: اگر احزاب بتوانند در یک دگردیسی و در یک تحول جدی از طبقه جوان کشور استفاده کنند اتفاقات مهمی در این عرصه رخ خواهد داد. وی تاکید کرد: در حال حاضر عمده احزاب در کشور و دبیران کل و اعضای هیئت موسس شوراهای برخی احزاب برای نسل اول انقلاب هستند لذا این افراد باید آرام آرام جای شان را به طبقه جوان بدهند و آن وقت آن پویایی و نشاط لازم در احزاب به وجود خواهد آمد. این نماینده مجلس بیان داشت: ما نباید در این زمینه تردید کنیم لذا پویایی و نشاط در احزاب منجر به پویایی سیاسی جامعه خواهد شد. عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی در ادامه درباره مزایای مجلس و دولت حزبی

علی کریمی فیروزجایی، عضو هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی در گفتگو با خبرنگار پارلمانی "نما"، با اشاره به راهکارهای قانونی پیرو حمایت از احزاب، گفت: متأسفانه دولت سابق خیلی به موضوع تحزب توجه جدی نداشت علی رغم این که ما معتقدیم احزاب لازمه توسعه سیاسی در هر کشور هست و نماد مردم سالاری است.

وی با اشاره به برنامه های وزیر کشور در رابطه با توجه به احزاب اظهار داشت: از این رو امیدواریم کمیسیون های مرتبط مجلس از جمله کمیسیون شوراهای این موضوع توجه جدی داشته باشند.

این نماینده مجلس بیان داشت: همچنین دو الی سه نفر از از نمایندگان فعلی و همچنین بنده از جمله دبیران کل احزاب کشور هستیم و این موضوعات را پیگیری می کنیم و همچنین ما با خانه احزاب هم تعاملات جدی داریم.

کریمی فیروزجایی با بیان اینکه بخشی از این مطالبه گری در زمینه حمایت از احزاب باید از طریق خانه احزاب مورد پیگیری قرار گیرد، بیان داشت: به هر دلیلی این مطالبه گری در گذشته به شکل درستی نبود و امیدواریم در دوره جدید، هم خانه احزاب و هم ما در مجلس و کمیسیون های مربوطه بتوانیم این فشار را

عضو کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای در مجلس مطرح کرد:

بدسرپرستی احزاب!

باید یک جایگاه قانونی و پایدار برای احزاب تعریف کنیم

و مناسب و سازنده را از مابقی احزاب در جامعه بگیرد. وی با بیان اینکه ما باید از ظرفیت احزاب برای سازندگی و پیشرفت کشور استفاده کنیم تاکید کرد: نباید از احزاب برای تعارضات و تأمین منافع سیاسی استفاده شود لذا ما به دنبال این هستیم که احزاب با ایجاد رقابت در حقیقت موجب پیشرفت و توسعه کشور شوند. حتما وقتی که احزاب در کشور با تکلیف هستند فرصت سازندگی و توسعه یافتگی از کشور گرفته می شود.

عضو کمیسیون شوراهای و امور داخلی کشور در مجلس با بیان اینکه نحوه فعالیت احزاب و حمایت از احزاب در کمیسیون شوراهای و امور داخلی کشور مورد بررسی قرار گرفته است بیان داشت: انشاءالله امیدواریم این موارد ایرادی به نحوه فعالیت احزاب به زودی برطرف شود تا ما به یک قانون درست و حسابی برای نظارت به احزاب دست پیدا کنیم تا هم مورد رضایت احزاب باشد و هم فرصت سوء استفاده از برخی جناح ها و احزابی که به دنبال سیاسی کاری هستند، گرفته شود.

این نماینده مجلس در ادامه درباره مزایای مجلس و دولت حزبی بیان داشت: وقتی افراد در قالب یک گروه اجتماعی و حزب سیاسی به مردم معرفی شوند می توانند تفکرات خود را در زمینه های سیاسی و اقتصادی به مردم بگویند.

وی تاکید کرد: دولتی که به واسطه حزب و یا گروهی تشکیل شود می تواند اقدامات موثرتری انجام دهد و در حقیقت می تواند به وعده هایش بیش از پیش عمل کند و بیشتر پاسخگوی وعده های داده شده باشد.

حسین محمد صالحی، عضو کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای مجلس در گفتگو و

با خبرنگار پارلمانی "نما"، با اشاره به راهکارهای قانونی برای حمایت از احزاب در کشور گفت: متأسفانه سرپرستی این قبیل موضوعات را معاونتی در وزارت کشور بر عهده نمی گیرد.

وی بیان داشت: اینکه موضوعات مربوط به احزاب را به معاونت اجتماعی و سیاسی بسپاریم و بعد بگوئیم خیلی از استانهای معاونت سیاسی و اجتماعی ندارند، بنابراین احزاب با تکلیف خواهند ماند، قابل پذیرش نیست.

این نماینده مجلس با بیان اینکه ما باید قانون احزاب را اصلاح کنیم، تاکید کرد: ما باید یک جایگاه قانونی و پایدار برای احزاب تعریف کنیم و همچنین باید برای جایگاه قانونی احزاب یک ناظر تعریف کنیم.

وی تاکید کرد: باید مشخص شود فردی که می خواهد یک حزب و یا گروهی را تشکیل دهد به کجا مراجعه کند این در حالی است که تاکنون معاونت و یا ارگانی این مسئله را به درستی نپذیرفته است و همین عدم پذیرش دستگاه ها باعث شده تا احزاب با تکلیف باشند.

این نماینده مجلس با ذکر این سوال که این بلا تکلیفی چه چیزی را به بار می آورد، بیان داشت: قطعاً این بلا تکلیفی و خلا قانون در رابطه با فعالیت احزاب می تواند فرصت سوء استفاده به برخی از احزاب دهد و فرصت کاری



حجت‌الاسلام مصباحی‌مقدم در گفتگو با نما:

قانون انتخابات در راستای تقویت فرهنگ حزب اصلاح شود



خواهند کرد.
عضو
مجلس
خبرگان
رهبری
پیشنهاد کرد
که احزاب
باید در بیانیه

آغاز فعالیتشان چارچوب کاری خود را به صورت روشن مشخص کنند و تعهداتشان را به مردم اعلام کنند تا معلوم شود به چه اصولی پایبند هستند و چه اولویتهایی در نظر دارند.

وی تصریح کرد: اگر چنین اتفاقی بیفتد، نظام سیاسی ما خواهد توانست یک نقیصه را برطرف کند و نگاه‌ها به جای اینکه چهارساله و هشت‌ساله باشد، بلندمدت خواهد شد و حتی کار شورای نگهبان هم آسان‌تر می‌شود؛ چون حزب یک فیلتر است و سعی می‌کند کسانی را جذب کند که قابل اعتماد و شناخته‌شده باشد.

فرهنگ‌سازی صورت نگرفته و به علاوه قوانین انتخاباتی ما حزب‌پایه یا حزب‌محور نیست؛ یعنی مردم ایران را به سوی حزب سوق نمی‌دهد، اما در کشوری مانند عراق قانون انتخاباتش بعد از سقوط صدام بر پایه محوری احزاب شکل گرفته است و احزاب به میدان آمدند و نتایج نسبتاً خوبی هم حاصل شد. مصباحی‌مقدم افزود: معتقدم نیازمند اصلاح قانون انتخابات هستیم؛ طوری که قانون انتخابات حزب‌محور باشد. به این معنا که مردم به جای رأی به اشخاص به احزاب رأی دهند و در این صورت چه بسا فرهنگ حزب در کشور توسعه یابد.

وی معتقد است که باید دو یا سه حزب قوی در کشور باقی بمانند تا این احزاب اقدام به کادرسازی کنند و نخبگان جامعه را تربیت و سپس به کادرهای حزبی تبدیل سازند. اگر چنین هدفی محقق شود به معنای واقعی هم مجلس حزبی خواهیم داشت و هم دولت حزبی که در این صورت مجلس و دولت موفق‌تر عمل

حجت‌الاسلام غلامرضا مصباحی‌مقدم عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در گفتگو با خبرنگار نما، درباره علت ضعف فرهنگ حزب در کشور اظهار داشت: سابقه احزاب قبل از انقلاب در کشور خیلی روشن و درخشان نیست. اگر به گذشته تاریخ احزاب در ایران از دوران مشروطیت به این طرف نگاهی بیندازیم، غالباً این احزاب وابسته به انگلیس مانند فراماسونرها و شوروی مانند حزب توده و یا احزاب شاه‌فرموده مانند حزب ایران نوین و رستاخیز بودند.

وی گفت: اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی حزب جمهوری اسلامی موفق عمل کرد و توانست فراگیر و قوی عمل کند. بنیانگذار این حزب شهید بهشتی بود و سالیانی هم خوب کار کرد، اما بعدها با کسب نظر از حضرت امام، فعالیتش متوقف شد.

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام خاطرنشان کرد: بنده معتقدم که مشکلی اصلی به فقدان فرهنگ در تشکیل حزب بازمی‌گردد. این

عضو کمیسیون امور داخلی کشور در مجلس: احزاب باید نقش و جایگاه خودشان را

در پارلمان نشان دهند

محمد حسن آصفری، عضو کمیسیون امور داخلی کشور در مجلس در گفتگو با خبرنگار پارلمانی "نما"، درباره راهکارهای حمایت قانونی از احزاب در کشور گفت: احزاب فعال در جمهوری اسلامی ایران به غیر از چند حزب به مانند حزب مؤتلفه اسلامی استخوان دار نیستند.



وی با بیان اینکه بسیاری از گروه‌ها و احزاب ما انتخاباتی هستند و در زمان انتخابات کرکره حزب خود را بالای می کشند، بیان داشت: این احزاب وقتی که زنگ انتخابات مجلس و انتخابات ریاست جمهوری زده می‌شود کرکره خود را بالا و بعد از برگزاری این انتخابات‌ها هم این کرکره را پایین می‌کشند.

آصفری تأکید کرد: همچنین اگر اعضای کل مجمع عمومی برخی از این احزاب را جمع کنیم، جمع بسیار اندکی هستند و خیلی از این احزاب که در استانها نماینده دارند، این نمایندگان، نماینده خیلی از احزاب دیگر هم هستند یعنی یک نفر ممکن است نماینده یک حزب باشد اما در ۵ حزب دیگر هم ثبت نام کرده و تعهد داده باشد، این در حالی است که این مسئله با قوانین، اساسنامه و مرامنامه که در حزب آورده شده جور در نمی‌آید.

نایب رئیس کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور در مجلس بیان داشت: به عنوان مثال شما در هر استانی می‌بینید یک نفر به صورت همزمان به عنوان نماینده ۲۰ حزب شناخته می‌شود؛ چه در رده اصولگرایی و چه در رده اصلاح طلبی و این نشان می‌دهد که ساختار اصلی احزاب در کشور ما هنوز شکل نگرفته است و احزاب متاسفانه برنامه محور نیستند.

این نماینده مجلس با بیان این که احزاب برای انتخابات ریاست جمهوری کاندید معرفی می‌کند اما برنامه اقتصادی برای آن رئیس‌جمهور ندارند، تأکید کرد: همچنین برای رئیس‌جمهور معرفی شده برنامه‌ای در زمینه موضوعات سیاست خارجی، اجتماعی و فرهنگی ندارند.

نایب رئیس کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور در مجلس با بیان اینکه برخی از احزاب به موضوع انتخابات در پارلمان‌ها ورود می‌کنند اما به دنبال این هستند تا نمایندگان خودشان را وارد پارلمان کنند، تأکید کرد: این در حالی است که برنامه‌ها و اقداماتشان پس از ورود به پارلمان مشخص نیست.

آصفری در ادامه و در پاسخ به سوال دیگری مبنی بر اینکه تحزب‌گرایی در تقویت گام دوم انقلاب چه نقشی دارد بیان داشت: بنده اعتقاد دارم که احزابی که به درستی شکل بگیرند به نفع نظام بوده و می‌توانند مفید باشند.

وی با بیان اینکه احزاب می‌توانند برنامه محور و در موضوعات اقتصادی و سیاسی و سیاست خارجی برنامه داشته باشند، تأکید کرد: به عنوان مثال ما در پارلمان اعتقاد داریم که یک پارلمان یک دست به درد نمی‌خورد البته نه اینکه کلاً به درد نخورد اما پارلمان باید چند صدایی درونش باشد و لازم‌اش این است که احزاب نقش و جایگاه خودشان را در پارلمان‌ها نشان دهند.

دیر کل جمعیت رهبران انقلاب اسلامی:

تشکیل مجلس و دولت حزبی

نیازمند اصلاح قانون است



در انتخابات دارند بیان داشت: نقش احزاب در انتخابات نباید تنها منتهی به وظایف سیاسی شود.

این نماینده

مجلس در ادامه

در پاسخ به سوال

دیگری مبنی بر اینکه تحزب‌گرایی چه نقشی در تقویت گام دوم انقلاب دارد، بیان داشت: این مسئله مشروط به این است که یک حزب واقعی به معنایی در ارتباط کامل با مردم باشد که اگر این اتفاق رخ

دهد، این امر می‌تواند در گام دوم انقلاب نقش آفرینی موثری داشته باشد اما اگر این فعالیت به معنای فعالیت حزبی و کار فصلی و صرفاً سیاسی باشد، نمی‌تواند در پیشبرد گام دوم انقلاب موثر واقع شود.

شریعتی در ادامه در پاسخ به سوال دیگری مبنی بر اینکه مزایای مجلس و دولت حزبی با غیر از آن چه تفاوتی می‌تواند داشته باشد، تأکید کرد: در شرایط فعلی نمی‌توان به راحتی چنین تحلیلی را مطرح کرد.

نماینده مردم تهران، ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس در مجلس تأکید کرد: وضعیت باید به یک وضعیت مطلوبی برسد تا ما بتوانیم درباره چنین شرایطی یعنی مجلس و دولت حزبی صحبت کنیم لذا به اعتقاد بنده برای رسیدن به این موضوع ما نیاز به اصلاح قانون در این بخش داریم.

مالک شریعتی در گفتگو با خبرنگار پارلمانی "نما"، درباره راهکارهای حمایت قانونی از احزاب در کشور گفت: واقعیت این است که در راستای تقویت قوانین مربوط به احزاب، خود احزاب باید یک نقشی را ایفا کنند.

وی با بیان اینکه احزاب باید از ظرفیت‌های قانونی به درستی استفاده کنند، بیان داشت: همچنین نیاز هست موادی که برای اصلاح و کمک به احزاب لازم هست مورد اطلاع قرار گیرد تا نشان احزاب در کشور تقویت شود.

نماینده مردم تهران ری شمیرانات پردیس و اسلامشهر در مجلس بیان داشت: مهمترین اتفاقی که باید در این زمینه رخ دهد این است که فعالیت احزاب به یک معنایی به انتخابات پیوند رسمی بخورد و احزاب نقش اصلی در انتخابات داشته باشند. شریعتی با بیان اینکه احزاب بیشتر نقش سیاسی

احزاب خودشان برای اصلاح قانون باید اقدام کنند



ثبت نام و گرفتن مجوز منتهی می شود. وی تاکید کرد: به دلیل اینکه احزاب درگیر موضوعات حزبی نمی شوند، در ادامه مراجعاتی هم برای تکمیل فرایند فعالیتشان ندارند و این مسئله غالباً در حد قانون اولیه باقی می ماند. جوکار در ادامه تصریح کرد: البته کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور در نظر دارد با برخی از مسئولین تشکل ها و احزاب جلسات متعددی داشته و نظرات آنها را پیرامون نحوه فعالیت احزاب اخذ کند. همچنین این نظرخواهی در رابطه با اصلاح قانون احزاب هم خواهد بود. رئیس کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور در مجلس با اشاره به نقش تحزب گرایی در تقویت گام دوم انقلاب اسلامی اظهار داشت: متأسفانه احزاب ما تنها در زمان انتخابات شکل می گیرند و از یک نامزدی در انتخابات حمایت می کنند، در صورتی که وقتی یک حزب کاندیدایی را به عرصه انتخابات معرفی کرد باید برنامه های آن کاندیدا را هم ارائه کند و تبعات این امر را هم بپذیرد؛ متأسفانه این اقدام از سوی احزاب در حال حاضر صورت نمی گیرد و شاید بعد از مدتی که یک رئیس جمهور فعالیت خود را آغاز کرد و فعالیت این فرد مطابق میل آن حزب سیاسی نباشد، آن حزب از رئیس جمهور تبری بجوید و یا خود را به بی تفاوتی بزند، با این حال این مسئله نمی تواند ما را به یک کار اساسی در حوزه احزاب برساند. وی با بیان اینکه احزاب باید برنامه محور باشند، تاکید کرد: احزاب باید پیرو تصمیمات خود، پاسخگوی مردم باشند و در صورت عدم

محمد صالح جوکار در گفتگو با خبرنگار پارلمانی "نما"، با اشاره به راهکارهای حمایت قانونی از احزاب در کشور بیان داشت: ما در حال حاضر قوانین لازم را در رابطه با فعالیت احزاب در کشور داریم. وی با بیان اینکه احزاب در کشور ما فعالیت های جدی ندارند، اظهار داشت: بیشتر فعالیت های احزاب در کشور صوری است. جوکار با بیان اینکه ساختار، تشکیلات، نوع فعالیت ها، عضوگیری و هواداران احزاب مشخص نیست، بیان داشت: متأسفانه احزاب درخواست و مطالبه ای برای اصلاح قانون در رابطه با نحوه فعالیت شان در عرصه سیاسی کشور ندارند و این مسئله به یکی از مشکلات جدی ما تبدیل شده است.

رئیس کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور بیان داشت: متأسفانه در کشور ما احزاب جایگاه و پایگاه خودشان را نسبت به سایر کشورها پیدا نکرده اند.

جوکار با بیان اینکه با تشکیل مجلس یازدهم تاکنون درخواستی نسبت به اصلاح قوانین احزاب دریافت نکرده ایم بیان داشت: طبق قانون فعلی، احزاب می توانند درخواست های خود را به وزارت کشور ارائه دهند و این موارد در کمیسیون ماده ۱۰ احزاب مطرح و مجوز لازم را اخذ کنند. رئیس کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور با بیان اینکه فعالیت احزاب باید مستمر باشد، تاکید کرد: یک حزب می تواند در حوزه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی فعال باشد اما وقتی این چنین نیست فعالیت احزاب در همان حد

موفقیت از مردم عذرخواهی کنند و این معنایی ندارد که ما همیشه در مقاطع مختلف طلبکار شویم و خودمان هم برنامه ای نداشته باشیم. جوکار با بیان اینکه ظرفیت سازی در حوزه احزاب متأسفانه در کشور ما صورت نگرفته، بیان داشت: اگر این ظرفیت مدنظر قرار گرفته بود احزاب می توانستند یک پایه اصلی برای پیشبرد گام دوم انقلاب اسلامی باشند. رئیس کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور در مجلس با بیان اینکه گام دوم انقلاب نقشه راه آینده کشور است، تصریح کرد: این بحث یک بحث ملی بوده و منافع کل مردم در آن دیده شده است بنابر این اگر احزاب در این موارد ورود کنند و نقشه راه خود را بدهند یعنی مثلاً در راستای پیشبرد گام دوم انقلاب بگویند که چه نقش ها و برنامه هایی دارند آنوقت ما می توانیم روی احزاب حساب کنیم، اما وقتی که نگاه، یک نگاه سیاسی و جناحی است، این نگاه تنها در پی حذف طرف مقابل بر می آید و در ادامه کارشکنی ها و بهانه گیری ها آغاز می شود و شاید این فرآیند حتی روند پیشرفت و توسعه کشور را کند کند.

عضو کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها در مجلس مطرح کرد:

تحقق گام دوم با کادر سازی احزاب

تصمیم گیری نظام جمهوری اسلامی ایفای نقش کنند، کم می شود. این نماینده مجلس تاکید کرد: از جمله رسالت هایی که یک حزب در زمان قدرت دارد این است که اهداف حزب اعلامی را به پیش ببرد اما در زمانی که در مصدر قدرت نیست تلاش می کند با نقد طیف حاکم کادر سازی کرده و دولت در سایه را تشکیل دهد و به این ترتیب ما می توانیم عناصر مجرب و کارآزموده در مصادر مسئولیتی را ببینیم و در عین حال حزب پاسخگوی عملکرد خودش خواهد بود و نتیجه عملکرد ناصوابش متوجه خود خواهد شد. وی با بیان اینکه در گام دوم انقلاب اسلامی بیشترین توجه به جوانتر هاست، ادامه داد: این مهم می تواند به وسیله حزب و با تربیت افراد میسر شود و گر نه اگر ما همان جوان را با کمترین تربیت سیاسی و کارکرد سیاسی در مسئولیت های مختلف قرار دهیم، حتماً این فرد مایه سرفرازی یک حزب نخواهد شد. علیرضا بیگی در ادامه درباره مزایای مجلس و دولت حزبی از غیر حزبی، تاکید کرد: در واقع دولت و مجلس حزبی در قبال آرمان و اهداف حزب خودش را مسئول می داند و برای تثبیت و توسعه خودش تلاش خواهد کرد. وی ادامه داد: وقتی حزبی دارای یک شناسنامه و هویت واحدی نزد مردم است تلاش می کند که جایگاه خودش را اولاً تثبیت کند و ثانیاً بتواند کرسی های بیشتری را به دست بیاورد و طبیعتاً عناصر حزبی دیگر عناصر اداری نخواهند بود؛ عناصری خواهند بود که خودشان را در قبال آرمان های حزب مسئول می دانند و بقا و توسعه حزب باعث بقا و توسعه این افراد حزبی خواهد شد. این نماینده مجلس اظهار داشت: اقدام جهادی و پرشوری که در حال حاضر ما انتظار داریم حتماً می تواند در قالب تعاریف حزبی به خوبی متجلی شود.

احمد علیرضا بیگی، عضو کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها در مجلس در گفتگو با خبرنگار پارلمانی "نما"، با اشاره به راهکارهای حمایت قانونی از احزاب در کشور بیان داشت: نرم افزار ها و قوانین باید به فعالیت احزاب اعتبار و اصالت



دهند.

وی با بیان اینکه ما باید اصالت را بر فعالیت احزاب در کشور بگذاریم، اظهار داشت: باید اجازه دهیم مطالبات مردم به وسیله احزاب دسته بندی شود و احزاب با بیان آرمان ها و اهدافشان مردم را دور خود جمع و یا آن ها را دسته بندی و منسجم کنند.

علیرضا بیگی با بیان اینکه احزاب باید بتوانند کرسی خود را در پارلمان به دست بیاورند بیان داشت: احزاب باید در انتخابات ریاست جمهوری کرسی به دست بیاورند اما متأسفانه همچنین جایگاهی برای احزاب در کشور دیده نشده است.

این نماینده مجلس در ادامه با اشاره به نقش تحزب گرایی در تقویت گام دوم انقلاب اسلامی اظهار داشت: احزاب در واقع کادر سازی را بر عهده دارند و باید زیر ساخت ها برای تحقق مطالبات مردم را فراهم کنند.

وی بیان داشت: اگر تکیه ما تنها بر شخصیت هایی باشد که در واقع در طول این ۴۰ سال در مصدر امور بودند، دیگر امکان اینکه جوان ترها بتوانند در سطوح

نماینده مردم ملایر:

دولت و مجلس حزبی با برنامه وارد عرصه اجرایی می شود

حساب دستگاه‌ها واریز شده اما استفاده نشده است البته خیلی از این موارد مربوط به دولت قبلی بوده و انجام نداده، اما از زمانی که دولت فعلی آمده اگر این دولت بر مبنای حزب و تشکیلاتی وارد عرصه انتخابات می شد و با برنامه قبلی به عرصه آمده بود، هم اکنون برای این ۸ هزار و ۸۰۰ هزار میلیارد تومان برنامه داشت و این بدین منظور است که احزاب از قبل می دانند برای چه کاری چه نوع برنامه ریزی داشته باشند.

وی افزود: اگر چنانچه جوانان را تحت آموزش و کادر سازی احزاب قرار دهیم و این جوانان کار تیمی سالم حزب الهی انجام دهند و با برنامه این افراد وارد عرصه های اجرایی شوند قطعاً می توانند در پیشبرد گام دوم انقلاب مفید باشند. در غیر این صورت ما باید شاهد این باشیم که فردی وارد عرصه اجرایی می شود و بعد از دو سال متوجه نمی شود که باید چه نوع فعالیتی را انجام دهد.

بیگی نژاد در ادامه با اشاره به مزایای دولت و مجلس حزبی تاکید کرد: دولت و مجلس حزبی مزایا و معایبی دارد مزایای آن این است که دولت و مجلس حزبی با برنامه وارد عرصه اجرایی می شود و افراد در این فرآیند مشخص هستند البته آفت این مسئله هم این است که گروه گرایی افزایش پیدا می کند و این مسئله وابسته به این است که چه کسانی بیایند و چه اقداماتی انجام دهند.

نماینده مردم ملایر در مجلس بیان داشت: به همین دلیل بنده معتقدم که باید یک حزب حزب اللهی و سالم برای خدمت شکل بگیرد.

هادی بیگی نژاد در گفتگو با خبرنگار پارلمانی "نما"، با اشاره به نقش حزب گرایی در تقویت گام دوم انقلاب اسلامی بیان داشت: ما در کشور توقع داریم یک گروه و حزب شناسنامه دار بر سر کار بیاید و برنامه مدیریتی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مشخص خود را داشته باشد و امور اجرایی کشور را در دست بگیرد تا آن وقت مردم بتوانند این نوع فعالیت حزبی را با کلیت آن، مورد قضاوت قرار دهند.

این نماینده مجلس تاکید کرد: در این شرایط مردم دیگر می دانند فردی که می خواهد در این مسئولیت دولتی قرار گیرد چه دیدگاهی دارد و قرار است چه کاری انجام دهد.

بیگی نژاد با بیان اینکه متأسفانه ما در کشور این نوع فرآیند و این نوع فعالیت حزبی را نداریم، بیان داشت: متأسفانه افراد مختلفی هم که می آیند و مسئولیتی می گیرند بعد از مدتی زیر بار مرامنامه حزبی خود می زنند. نماینده مردم ملایر در مجلس شورای اسلامی در ادامه با بیان اینکه اگر فعالیت حزبی در کشور پا بگیرد و افراد با برنامه قبلی وارد انتخابات شود، کارهای اجرایی به راحتی جلو خواهد رفت، اظهار داشت: به عنوان مثال زمانی مطرح شد که ۸ هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان در زمینه اشتغال زایی به



نایب رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی:

شایسته سالاری با شکل گیری احزاب مقتدر معنا پیدا می کند



اگر تشکیلی واقعی آن هم بر مدار آرمان ها و اندیشه های امام و مقام معظم رهبری شکل بگیرد قطع به یقین یکی از نتایج مهم این مسئله انسجام خواهد بود.

وی با بیان اینکه ما نیاز به یک انسجام ملی داریم تاکید کرد: از این رو ما باید بتوانیم پیرو این انسجام ملی در عرصه های مورد نیاز، حضوری کاملاً معنادار داشته باشیم.

منتظری با بیان اینکه یکی از مزایای تحزب گرایی قدرت چانه زنی در مسائل اجتماعی است، بیان داشت: وقتی یک حزب مقتدری شکل بگیرد و زیرساخت های آن درست باشد حتماً جلوی خیلی از آسیب های اجتماعی گرفته خواهد شد.

وی ادامه داد: ما معمولاً در انتخابات هزینه های متعددی را پرداخت می کنیم ولی اگر یک حزب مقتدر شکل بگیرد حتماً شایسته سالاری معنا پیدا می کند چون مشاهده می شود که مثلاً ۱۰۰ نخبه مهر تاییدی بر یک فرد زده اند که وارد مجلس و یا ریاست جمهوری شود.

عضو کمیسیون فرهنگی مجلس تاکید کرد: حتماً تحزب گرایی می تواند سرمایه اجتماعی ما را افزایش داده و در پیشبرد گام دوم انقلاب موثر باشد.

اسلامی با بیان اینکه ما بدین شکل هیچ وقت درباره نحوه فعالیت احزاب نتیجه نمی گیریم، بیان داشت: با این حال بنده معتقدم ما به یک تشکل فراگیر سیاسی نیاز داریم البته ابتدا باید روی مدل فعالیت احزاب کار کنیم.

وی تاکید کرد: وقتی ما با دوستانمان در مجلس گفتگوهای داریم می بینیم که این تمایل و رغبت برای تشکیل حزب فراگیر وجود دارد لذا کمیسیون هایی همانند کمیسیون اجتماعی و شوراهای می توانند به این موضوع بپردازند بنابراین اگر ما بتوانیم یک مدل موفق

از حزب ارائه دهیم و مردم کارنامه آن را مشاهده کنند و بر ذائقه آنها بنشیند آن وقت است که می توان از حزب گرایی دفاع کرد اما در حال حاضر این مسئله کار سختی به نظر می رسد.

وی با بیان اینکه ما باید پیش از هر کاری از مدل ارائه شده فعالیت احزاب رونمایی کنیم، بیان داشت: باید درباره چارچوب و کارکردهای احزاب مواردی مطرح شود و تشکل ها نباید به سرعت اعلام موجودیت کنند لذا به نظر بنده باید ابتدا فعالیشان را در بوثه نقد و آزمایش قرار دهند تا دیدگاه صاحب نظران را در این زمینه بشنود.

منتظری با بیان اینکه تشکل ها باید از تجارب تلخ و شیرین گذشته برای طراحی مدل حزب به درستی استفاده کنند، بیان داشت: این مسئله باعث می شود تا اگر حزبی اعلام موجودیت می کند با استقبال بیشتری روبه رو شود.

عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی در ادامه با اشاره به نقش تحزب گرایی در تقویت گام دوم انقلاب اسلامی اظهار داشت:

غلامرضا منتظری در گفتگو با خبرنگار پارلمانی نما، با اشاره به راهکارهای حمایت قانونی از احزاب کشور گفت: احزاب می توانند در مسائل سیاسی و اجتماعی نقش آفرینی زیادی داشته باشند، مشروط بر اینکه به معنای واقعی شکل بگیرند.

وی تاکید کرد: به نظر بنده تجربیات ناکام گذشته یکی از دلایلی است که باعث شده تا رغبتی برای احزاب و تشکیل حزب دیده نشود. عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی ادامه داد: ما وقتی به تجربیات ۴۰ سال گذشته نگاه می کنیم، می بینیم که تنها حزب جمهوری اسلامی بوده که توانسته جایی برای خود باز کند و تشکیلات نسبتاً موفق داشته است اما بعد از آن دیگر حزب به معنای واقعی کمتر دیدیم.

وی با بیان اینکه در حال حاضر هم احزاب به طور فراوان در جامعه وجود دارند، بیان داشت: این احزاب با عناوین مختلف تشکیل شده و بیشتر موسمی فعالیت می کنند و این مسئله به هیچ وجه خوب نیست.

منتظری تاکید کرد: ما باید با استفاده از تجربیات موفق جهانی تشکیل حزب را مد نظر قرار دهیم تا این احزاب بتوانند در موازنه قدرت تاثیر گذار باشند اما احزابی که در حال حاضر در کشور وجود دارند بعضاً اسمی هستند و وقتی ما به سراغ آنها می رویم تا در عمل ببینیم چقدر نقش آفرین هستند، می بینیم که خیلی قابل دفاع نیستند و پرچم این احزاب هر از گاهی به اهتزاز درمی آید و بعد نیمه افراشته می شود. عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای

نماینده مردم تهران:

وجود احزاب می‌تواند به شفاف‌سازی فرایندهای سیاسی و جناحی کمک کند

نیازمند بازنگری و بازتعریف فعالیت احزاب هستیم

که در آن فعالیت می‌کردند، مشاهده نمی‌شود. تقی پور بیان داشت: بنابراین از این منظر به نظر می‌رسد که وجود تشکل‌های سیاسی و احزاب قطعاً می‌تواند به شفاف‌سازی در برخی فرایندهای سیاسی و جناحی کمک کند.

وی با بیان اینکه شفافیت در فعالیت احزاب سیاسی امری مهم قلمداد می‌شود، ادامه داد: معمولاً خیلی‌ها در فضای ابهام آمیز تلاش دارند که آرای مردم را جمع‌آوری کنند و نبود شفافیت به آنها کمک می‌کند که اگر بعداً پاسخگوی وعده‌های خود نبوندند، بتوانند مغری برای خود داشته باشند، در حالی که نقطه مقابل این فرایند این است که واقعاً این مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی در قالب تشکل‌های رسمی می‌تواند وجود داشته باشد.

تقی پور در ادامه با اشاره به وضعیت فعلی احزاب در کشور و اینکه آیا باید از سوی دولت مورد حمایت قرار گیرند، بیان داشت: در حال حاضر وضعیت احزاب خوب نیست آن هم به دلیل برخی ابهاماتی که بعضاً وجود دارد.

وی تصریح کرد: به دلیل برخی نقص‌ها و اشکالاتی که در کارکردهای احزاب در گذشته بوده متأسفانه خود این حوزه هم در حال حاضر نیاز به بازنگری و بازتعریف دارد.

رضا تقی پور در گفتگو با خبرنگار پارلمانی «تما»، با اشاره به راهکارهای حمایت قانونی از احزاب در کشور بیان داشت: هر نظام سیاسی در زیر مجموعه خود فرایندهای تعریف شده سیاسی دارد.

وی تأکید کرد: در بسیاری از کشورها و درون نظام سیاسی آنها بحث احزاب و رقابت آنها برای اداره کشور دیده می‌شود.

نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی ادامه داد: همچنین فعالیت احزاب می‌تواند باعث شادابی و سرزندگی محیط سیاسی و به تعبیری محیط اجتماعی کشور شود.

تقی پور تأکید کرد: از سویی دیگر مشکلی که در کشور ما وجود دارد این است که به دلیل نبود احزاب معمولاً تشکل‌هایی در آستانه انتخابات ظاهر می‌شوند و وابستگی افراد، هواداریشان و انتصاب‌شان به این تشکل‌ها به دلیل این که موقتی است، مردم را در تشخیص مواضع سیاسی و نظریه‌شان برای اداره کشور، که بحث بسیار مهمی است، دچار مشکل می‌کند.

نماینده مردم تهران تصریح کرد: مردم در ادامه متوجه نمی‌شوند که افراد عضو در برخی احزاب از کدام منظر به مسائل نگاه می‌کنند و خیلی اوقات هم ما دیدیم که مثلاً افراد به اسم مستقل و به اسم برخی جریان‌ها در انتخابات ظاهر می‌شوند و اما بعداً در عملکردشان، اصول و شعارهای حزبی

نماینده ادوار مجلس تشریح کرد:

تفاوت جناح‌های سیاسی با حزب

جناح‌های سیاسی مانع تشکیل احزاب پاسخگو هستند



کسب قدرت فعالیت می‌کنند و وقتی قدرت را به دست آوردند، نخستین گامی که بر می‌دارند، کوتاهی کردن در عمل به شعارهای انتخاباتی است. اما اگر احزاب قوی در ایران وجود داشت، احزاب تلاش می‌کردند پای رفتارهای سیاسی سیاستمداران‌شان می‌ماندند و به همین جهت تلاش می‌کردند تا مدیران بسیار قوی را انتخاب کنند تا آبروی احزاب در بلندمدت حفظ شود.

این کارشناس مسائل سیاسی عنوان کرد: جناح‌های سیاسی در ایران عقده‌های منصبی خاص خود را دنبال می‌کنند. برای نمونه در دولت آقای روحانی یک‌سری مدیرانی حضور داشتند که عقده برداشته شدن غیرمحترمانه توسط دولت قبلی را داشتند. این افرادی؛ مدیران یا وزیرانی بودند که به یکباره از عرصه مدیریتی کنار گذاشته شدند و با همین عقده در دولت روحانی به عرصه مدیریتی بازگشتند و تنها چیزی را که دنبال می‌کردند، مدیریت قدرت خودشان بود و به همین جهت روحانی یک دولت سست را تشکیل داد.

فلاح‌پیشه گفت: متأسفانه در دولت سیزدهم هم برخی انتصابات بر مبنای تحولات جناحی صورت می‌گیرد. سیاستمداران این دولت هم مقدس نیستند و عمر دولت سیزدهم هم تمام می‌شود و دوباره جناح‌های سیاسی برای عدم تشکیل احزاب پاسخگو با هم متحد خواهند شد.

حزب در همین نکته است. جناح‌های سیاسی برای اینکه از زیر بار تعهداتشان شانه خالی کنند، هر دفعه با یک عنوان و نام جدید یا به عرصه فعالیت‌های سیاسی می‌گذارند. بسیاری از جناح‌های سیاسی بودند که از ابتدای انقلاب تا به امروز با ده‌ها عنوان در انتخابات شرکت کرده‌اند و هر بار با مزاج سیاسی و اجتماعی جامعه یک عنوانی را انتخاب می‌کنند و بعد از اینکه رأی مردم را به دست آوردند، هیچ تعهدی را نمی‌پذیرند.

این نماینده ادوار مجلس اضافه کرد: تنها موضوع مهم برای جناح‌های سیاسی تنها قدرت هست و هیچ سازوکاری را برای پاسخگویی در نظر نگرفته‌اند. اما اگر حزب وجود داشت، خود را موظف به پاسخگویی می‌دانست. به عنوان مثال اگر حزب در کشور وجود داشت، اکنون مشخص می‌شد کدام حزب در مسئله آب مقصر اصلی است.

فلاح‌پیشه اظهار داشت: در نظام‌های حزبی، سیاستمداران می‌آیند و می‌روند، اما در ایران سیاستمداران همیشه ثابت هستند و با لبخند جدید به فعالیت سیاسی ادامه می‌دهند و از صداقت مردم سوءاستفاده می‌کنند.

وی با بیان اینکه اصولاً جناح‌های سیاسی از صداقت مردم سوءاستفاده می‌کنند، گفت: در واقع جناح‌های سیاسی در ایران به دنبال هم‌زیستی ثبات در عرصه سیاست نیستند؛ چون با هدف

نماینده ادوار مجلس و کارشناس مسائل سیاسی معتقد است که در دولت روحانی مدیرانی بر سر کار آمدند که عقده مناصب سیاسی را داشتند.

حشمت‌الله فلاح‌پیشه در گفتگو با خبرنگار نما، اظهار داشت: وقتی که مدیریت سیاسی و اجتماعی و اقتصادی کشور، سازوکاری را برای پیشگیری از وقوع اعتراضات در نظر گرفته باشد و برای اجابت خواسته‌های معترضین تلاش کند، احتمال تبدیل اعتراضات به اغتشاش کاسته خواهد شد.

وی گفت: البته همه اعتراضات در ایران به اغتشاش کشیده نمی‌شود. به عنوان مثال بیشتر اوقات گروه‌های صنفی مقابل مجلس دست به اعتراض می‌زنند، اما کمتر اتفاق افتاده که این اعتراضات تبدیل به اغتشاش شود.

تحلیلگر مسائل سیاسی درباره نقش احزاب در جهت‌دهی اعتراضات مردمی خاطر نشان کرد: در ایران جناح‌های سیاسی حضور دارند و جناح‌های سیاسی هم بزرگترین مانع شکل‌گیری تحزب در کشور هستند.

فلاح‌پیشه معتقد است که وقتی حزب وجود داشته باشد، حزب ضامن وعده‌های انتخاباتی و ضامن شفافیت رفتارهای سیاسی است.

وی افزود: جناح‌های سیاسی کاملاً فرصت‌طلب هستند و تفاوت میان جناح با


صاحب امتیاز: حزب مؤتلفه
اسلامی
مدیر مسئول: محمد مهدی اسلامی
سر دبیر: حمید رضا ترقی
گرافیک: احمد عبادی
چاپ: لیتوگرافی کیهان گرافیک
تلفن: ۸۸۳۴۸۸۹۱-۲
نمبر: ۸۸۳۴۳۸۲۱
شماره پیام کوتاه: ۱۰۰۱۶۳۴
سازمان توزیع: ۸۸۸۲۲۸۹۰
سایت: www.shoma-weekly.ir
رایانامه: info@shoma-weekly.ir
نشانی: خیابان کریمخان زند- خیابان
خردمند جنوبی - نبش کوچه یگانه
پلاک ۴۴- کد پستی: ۱۵۸۴۷۳۴۷۱۱